



درباره کار تئوریک
و
برنامه آن

اسفند ۶۱

توضیح

قبل از توضیح درباره جزوه حاضر لازم می بینم توضیح تکفیری را هم بگوشه بدم پس از آنکه
 مشرف اراد فرمودار ای ، تلاش "کمسیون تراشی" آغاز گشت . پس از تلاش "کمسیون
 تراشی" محفل ما بوجود آمد . در ابتدا محفل نظرات خود در این نوشتنای بنام "رساله عقلی ما"
 تاریخ ۲۵ و ۲۶ شهریور ۱۳۰۵ منتشر ساخت . این رساله دارای سه بخش اساسی بود : در بخش اول رساله
 دوران زمان بنام "توضیح" بود و در بخش دوم تراش قرار گرفت ، در بخش سوم توری روزی پوششی
 راه رشت غیر سرافرازی مورد نقد واقع شد و در بخش چهارم سیر حرکت اپورتوریم در ایران
 و تحلیل دره های مختلف سازمان یکبار حجاب ، ت انشعابی از آن مورد تحلیل قرار گرفته .
 پس از این رساله نوشته ای تحت عنوان "در سنده و معجزه باشار لائیسیم" منتشر گشت ،
 که در آن گزارش توری یک محفل بود و اشتغال قرار گرفت . در این قطع تورات توری جدیدی
 در محفل ما درسی داد و محفل نوشته جدیدی تحت عنوان "توضیح و پگاهها" تاریخ ۱۰ و ۱۱ شهریور ۱۳۰۵
 منتشر نمود . در این نوشته راجع به جوهر آهنگش ما گس ه شد و با تکلیف است شده ، یوزیمت
 فلسفی حاکم بر جنبش مورد نقد قرار گرفته و در بر توانی قبل "کمسیون تراشی" و نیز رساله عقلی
 "رساله عقلی ما" در بر وجود مسائل جنبش مورد نقد قرار می گیرد . پس از این رساله محفل در
 توضیح نظرات همه بد خود و در رد نظرات "ارگان خارج" تاریخ ۲۲ و ۲۳ شهریور ۱۳۰۵ منتشر
 ساخت و آنرا برای خارج نیز ارسال داشت (تساخانی این نوشته معهود "رساله عقلی ما" و
 "توضیح و پگاهها" توسط "ارگان خارج" در خارج از کشور منتشر گشت) و بنابر تفاوتی محفل
 بر اساس کسب دید به خود که دلجو در مفصل در "توضیح و پگاهها" آورده است ، بنامه آموزش خود را
 تحت عنوان "برنامه کلی و توضیح کار تئوریک" تاریخ اول شهریور ۱۳۰۵ منتشر می سازد . پس از این
 قطع و به بنابر رساله اختلاف نظرات تئوریک سیاسی - ایدئولوژیک ، در اراد فرمودار ای ، در
 محفل جدیدش پیش می آید . به بنابر این جوابی ، در نوشته کی در رابطه با جنبه تکلیفی خطشی
 همه بد توری در توضیح اشتباهات و انشعاب در محفل ، توسط می نوشته می شود و معهود "برنامه
 کلی جهت عقب از سفت و مرحله انقلاب ایران" که قبلاً در بنامه رساله منتشر بود (مفصل در
 جزوه حاضر دارای دو نوشته است ، نوشته اول تحت عنوان "مفردم کار تئوریک و برنامه
 برای آموزش سه جزه کار تئوریک لائیسیم" می باشد ، در این مفردم با توضیح داد که "برنامه کلی
 و توضیح کار تئوریک" (اول شهریور) نظریات و افکار تئوریک مفردم در آن ، مفردم اشتغال واقع

گفت و بر این اساس با بهره‌گیری مختصر از نوشته‌های قبلی، نوشته‌های جدید با نگارشی درآید.
بعد از حردیه حاضر در گریزنامه «برنامه‌های عالی حجت‌الاسلام از سافت مرحله انقلاب ایران»
نیز می‌باشد. حردیه حاضر در مجموعه حردیه بیان دیگر کنونی‌ام از دوره کارتنوکیک و در
مرحله‌های ناپدید شدن یعنی کارتنوکیک امام و کارتنوکیک حاضر می‌باشد.

کمال - ۷۹ صفحه ۶۱

۲۰ مارس ۸۴

www.KetabFarsi.com

مفهوم کار تئوریک

و برنامه برای آموزش سه خبره مارکسیم لیننیم

یکی از جلوه های شخصیت و شکستگی اپروتونیم در ایران، از هم پاشیدگی و تلاشی جریان است که تحت نام مارکسیم، ماهیت اولاد زکی بود در این دیگانی با مانع پرورنار بارانهای میگذراشته. اپروتونیم و پوزیتونیم حاکم بر این جریانات، مانع از آن میشد تا هرگز نه عملی از واقعیت های طبقاتی اراده گردد و گاهی در جهت تغییر واقعیت موجد بر داشته شود. در شکستگی فنوریها و برنامه ها و بیگانگی با مانع بازنده طبقاتی، نتیجه ای جز دامن زدن به همان جنبش نداشت و این همان نتوانستند باشد و سنگین جریانات چپ را به بنال میآورد. نیروی تخریب کننده همان تقریباً تمامی جریانات را در هم پیچید و تجزیه آمانی را در ج رساند و حتی کامل کند نیز که او را به پدیده گذشته هتزاز چینی سرزشتی برده نیستند. اما اگر از یکسو و برای شکست نسبی بنام نتیجه ناگزیر بران و مسائل عادی بود، از سوی دیگر حرکتی جدید نیز بوجود آمد. در ستر مبارزه و تناقضات، گشت ها و جریانات زشتی در این پرزاد و نشیب پیدا آمد. حرکتی که اگر چه هنوز نامه ماهیتی گرمینی بوده، اما در نزد یک قایل جهت برین کار زنده شده را عملی کند و حرکتی که میتواند سر آغاز یک تحول باشد. امروزه جنبش بخشی از روشنگران خرد بودایی که مدتهای طولانی بر حسب مانع طبقاتی خود بیگانه با پرورناریا و مارکسیم جدا و نیات غیرشان در رو آوردن به مارکسیم بهنگاه تار و نبوده این جمعیت را بیوشاند که در کردار در خدمت پرورناری عمل کرده اند، به بنال تجارب تلخ و سهرت و در این آن برآمدند تا در عمل بلذت طبقاتی واقعا نداده اتنا ز سر منج پرولتری گام کنند و شرایط نبردی نور از راه کنند. گمان در این آینه تا نبردی نور را آغاز کنند، نبرد گرمینی علیه بهسوزی، نبردی بنام بهنگاه پرورناریا که سلاح واقعی مارکسیم را در دست گرفته و برای پاسخ به رسالتی که تاریخ تعبیه پرورناریا نامه یعنی بهنگاه پرولریا تطهیر کن، بنواهند بکنند. مسلماً تاریخ ده آینه قضاوت خواهد کرد و یوانتیب اینان تبدیل به مملکت قضاوت خواهد کرد.

ما خود را در همین موقعیتی از زیاده ای مارکسیم در پیش گرفتن راه گسست از سر منج بهنگاه ای و اتنا ز سر منج پرولتری در شرایط بعین جاحه ما، جز از طریق طرد بینشی که تنها نام مارکسیم را بر خود نهاده و با خود هر آموزش علمی و موزون آن بیگانه خواهد با بر فوند پوزیتونیمی، آموزش مارکسی را بسو و منافع مبدعانش و از در یک جهانش خرد بود و راهای بیگانه با واقعیت جاری

برود و لذا با ترفین میخورد، ممکن نیست. ما گفتیم طرد این پیشی در گسستن از آن، تنها
 و تنها بیک طریق برای بندهای آگاه ممکن است: اعطای به دانش مبارزه و طبقاتی با ترفین
 فراگیری مارکسیسم تنها بیک وجهی تخریب ناپذیر و کلیت و دماراری به جوهر آموزشهای مارکس
 و انگلس و لنین و کار بستن این آموزش هادر تبیین واقعیات زندگی جامعه، انگار و آگاهی
 مشخص مارکسیستی که پیش از هر چیز در برنامه عملی مکتبی میشود و کمک زندان این برنامه در
 پراکتیک و رفع خطاها در هر مبارزه کمونیستی برای تبلیغ، ترویج و سازماندهی هر طاق با هر چو
 حدیستی و مستی ادویت انقلاب سوسیالیستی!

از آنجا که از نظر ما که با سپری کردن پراکتیک گذشته در دین جنبش، با نیت سرنگ کردن
 فراز و نشیب های گوناگون در هر مبارزه طبقاتی، با ملی و در سه مبارزه ای در دلوکوف هیچ شکلی
 در عین ریشه ای برای که درگیر آن بودیم و امروز یوزیتویستی اپورتوینیم سطل
 بر جنبش باقی نمانده است، لذا کار پراکتیک برای تجدید آموزش تئوری عام، کارگیری
 آن حاجت نیست هیچ واقعیات زنده و پویا، این آنگار تا یقین بیشتر و بنوی واقعی بر آن
 دین اپورتوینیم و منتهی کردن روشنگران کمونیستی که به سستی پراکتیکی آنها می کنند و میشود
 برود تا با هر چو این برنامه و ... از ضرورتی تمام برخوردار است. همین دلیل آنست که
 جزو مارکسیسم که کاملاً مغایر بر خود پیشین جنبش که در واقع تله پاره کردن آموزش مارکس،
 بیان یکسان و حتی ترفین آن بود، در دستور ما قرار می گیرد.

در چنین وضعیت خطیری اپورتوینیم در اشکال ندرست می تواند مانع پاسخ به این وضعیت که اساساً
 بر ضرورتی برخاسته از واقعیات سیاسی انگار دارد، کرده با مسخ آن، راه دیگری جهت
 گشت مارکسیسم یزدید. یعنی چه؟ ما می دانیم که کلکورد اپورتوینیم، پیش از هر ضرورتی برای
 سیاسی - طبقاتی بوده است. یعنی در هر مبارزه طبقاتی هر دلتا با است که حامیلین نفوذ
 بود و از بیاس مارکسیسم پوشیده، آنرا ترفین کرده و با سلاح پوزیتویسم، مارکسیسم درون
 را رواج میدهند. هدف اپورتوینیم چیزی جز در بند کشیدن هر دلتا با، و اد استی او
 به دنباله روی از منافع بود و این نمی باشد و بالعکس نبردهای آگاهی که به این یا آن شکل
 در جامعه معین، به با به روشنگران خنجر را شروع به تغییر موضع طبقاتی خود پرداخته یعنی
 به مارکسیسم در گامی آمدند و در واقع حواهان انبای نقش آگاهانه در مبارزه طبقاتی برای هر
 برود تا با در تغییر جامعه، در ناپهردی سرمایه داری و دین بود و از بی هستند که در حدیست

نبود طبقاتی پرولتری برای عدم شکستن ماسین دولتی نهاده اندی تا حال دیکتاتوری پرولتاریا خود را
 ممکن میسازد. از همین رو برای ایشان آموزش تئوریک نه فقط خود بخود میوردی، بلکه ناگزیر تمام
 آموزش تئوریک علم قدرت میگیرد و این آموزش ضرورت خویش را از حدال پراکتیک مبارزه طبقاتی
 نشان میدهد و هدف آن بازگشت به فرجه مبارزه طبقاتی و پراکتیک است. هر چند در واقعیت
 در رابطه با گام نهادن برای آگاه شدن به کار جنبشهای رزمنده در لحظات معینی که مربوط به آموزش
 مارتس است، همه مستقیم به طور شکل کار تئوریک متمرکز و در دستبرد گیرد. روشن است که این
 امر به چه مفهوم آگاریسیم نیست. همانند همه جریانات و هجری کننده جنبش پرولتری که ناچار
 به انگار به مارتسیم بوده اند، در آغاز ناچار بودند به ضرورت این آموزش تئوریک پاسخ دهند
 و این امر دقیقاً برای آنان از زوایای مبارزه طبقاتی مطرح بود، اگر چه در لحظات معین ناگزیر تمسک
 به کار علمی و تئوریک برای فراگیری آوردن دانش نوین نبود پرولتری بوده اند. آنان از موضع انقلابی
 از موضع سب آگاهی برای کار انقلابی حرکت می نمودند و نه از موضع تئوری جهت تئوری و پراکتیک
 اثبات چنین حقیقتی بود. این است تفاوت آگاریسیم با آموزش تئوریک انقلابی. هرگز در
 دوران معین که در روسیه از مارتسیم گسست پیدا میسند و محل پیمان فک بوجود آمده و اولین
 به کار تئوریک صرف برای آموزش مارتسیم میبردانند. این امر برای پاسخ بگویی گامی در پیش
 نبود بلکه برای بهی مبارزه طبقاتی بر اساس یک تئوری انقلابی بود و با هدف مشخص و
 شایسته، همانند بدها هم در سایر مبارزه طبقاتی با در دستور قرار گرفتن مسائل مستقیم تر
 تئوریک انقلابی انگ فنی یافت، خطهای آن زودده میسند و باید تر حرکت
 در واقع شرایط با حقیقت؟ شرایط ما ملائمت نیروی است که در دست مبارزه طبقاتی معین،
 در عرصه های معین قرار گرفته اند و تجارب حرکت آنان در جنبش، بقیه بودن چهارمینی بوده و گمانش
 هند مارتسیم را با نماند و مختلف نشان داده است. آنان ناتوان از درک واقعتهای مادی جهان
 خود بوده اند. این عرصه مشخص سوانی که چون پیدایش و تکامل خاص خود را دارا است
 با طبقات معین، با قدرت سیاسی که شکل مشخص و جریان پیدایش درش معین خود را دارا است
 و هر روزه در شکل مشخص به وحیانه ترین وجه سرگسروب مبارزه طبقاتی پرولتاریا و فقط
 مناسبات سوانی و لاجرانندی ماسین دولتی پرولتاریا، چنانچه همان است مبارزه کارگر فقط
 سرمایه داری است و... خارج از اذهان نیروهای سرمایه است اما این عینیت خارج از
 ذهن هرگز مورد تحلیل و تفسیر علمی واقع نگشت. جنبش که مدعی مارتسیم بوده، اساساً فاقد
 مشی و جنبش بوده که بیانگر موقعیت پرولتاریا در برابر روشنی ناپذیرش علیه این نظام کنی

و علی طبعاً حکم و علی عایشین دلیلی آن باشد . مسأله ای که بیان صحیح واقعیت باشد در هر
 عمل استقامتی گردد ، تنها بر حسب جهانبینی ما کهسیم - لیکن قابل دستبندی به ده درها کنیم تجربه
 و پراکنج واقعی گذشته جنبش بیگانگی آن ما کهسیم است . تکمیل در جاده تکمیل
 و توفیق تعریف آینه برده است . در چنین حالتی که چوینانی که مسأله کارشود یک از مضمون
 استادی برای آن مطرح می شود ، در واقع مسأله شان لغزش شناخت غلط گذشته را نگاه می شود
 استقامتی برای دیگرگونی این جاده از زاویه رسالت پرده ریاست . آموزش متوریک و احاطه
 به جهانبینی و آموزش مارکس برای آن از انگیزه های بعد از این نشأت می گیرد . آنان
 از مضمون می آید می . ناگاه می . گنجگاری ذهنی خود برای آگاه شدن به هر چیز حرکت می کنند ،
 بعد برای آن مسأله بگیرند برایتی گذشته و تحقق تحول آتی بطور مشخص مطرح است ،
 احاطه به توری عام ، یک توری مشخص آن به واسطه هر دو آموزش عمومی مارکس و انقلاب لیسن ،
 برای همین امر در کام دل که سه جزو ما کهسیم را احاطه می نمایند ، برای آن مسأله آشنایی با
 تاریخ گذشته ، آشنایی با تاریخ نظرات انتقادی بطور عام مطرح است ، و شناختن آن از زاویه
 برآوردن انگیزه های مورد دانی برای تبدیل شدن به عالم در گذشته ، حرکت می کنند . در واقع
 مسأله تمام هر چیز از زاویه یک توری سطح تعیین متوریک در خدمت مبارزه با بقای دحل
 مسائل گذرینی جنبش و جهان از زاویه مبارزه پرده ریاست . به این ترتیب ، بر فروردین سال
 آموزش متوریک با آن چیزی که دستخط به سه جزو آموزش ما کهسیم لیکن جهت تحلیل علمی از حالت
 انتقادی دارا به برنامه هدایتی نیست و در پس است و ضرورت هر سطح استادی نبود در رابطه
 با درک صحت همین سه جزو ما کهسیم پیش رو قرار میگیرد و باید در خدمت با سطح بنیاد کار
 مشخص آن باشد . از همین رو آشنایی اولیه و محدود در با پیشروترین چوینانیات که کار بود
 که بجا به منابع ما کهسیم بسیار می آیند ، ضروری است . چرا که هر یک از تکوین جهانبینی ما کهسیم
 رابطه تنگاتنگ با آن دارد . این آشنایی چه از نظر مسأله و قرار گرفتن شناخت
 مسی که بر حسب تکامل مادی و پیشرفت ترمسیری در جهانبینی آبی بوده دانی فراهم آمده بود
 و هم از نظر تکامل علا و واسطه مسائل ما کهسیم بر آن مبنا ، ضروری است . لیکن در این
 رابطه میزباید : " توفیق مارکس درست در همین است که با آن پرسشهای سطح میگوید که
 پیشروترین ترمسیری مسأله آن را طرح و فته اند . این ادعا به تدریج مستقیم و پلانجهل
 آموزش بر بهترین نا میگردان غنیه ، علم انتقاد در سوسیالیسم پدید می آید " و سپس اضافه

مکنند این آئین را در استحقاق بهترین اندیشه انی است که بشر در سده نوزدهم در غایت
 آن، علم اقتصاد انگلستان و در سایر بلاد پیدا کرده است. (سه منبع رساله در کیم)
 بنا بر این در سطح با ضرورت و یک عمیق مدلیسیم، لازم است بطور مختصر با افکار بهترین آئین
 سه منبع ماکسیم آئین بی پیدا کرد. پس، فراگرفتن تئوری علم یک ضرورت است که در مقابل
 نای جنبین قرار گرفته است و بهیچا کسی که هدایت آئین برای گفتن از گذشته را بر دوش میزند
 بر این کار خواهد پرداخت. بهیچا تفاوت در سطح افراد مختلف، هر زای این سطح علم را
 محدودش نمی کند، بلکه به یک برنامه عمومی باید منجر به مطالعه عمیقتر و وسیعتر و تر با ساده تر
 در همین حله و چوب و از همین زوایه سود.

این مطالعه ما را به آن جنبین علمی مسلح میکند که بتوانیم آنرا در شناخت و ابعیات کلیه
 کیمیم در هر عصر که ترا تا به روزی با گذشتن و شی هرمانی که در سطح مبارزه، بهیچا توجهی
 ما با این کردن ماکسیم از بهترین زنده و انقلابی و همچون قرار دادن اهداف بود و این
 به راه نبرد پرولتاریا، اند در مسالتهای در تعریف و ابعیات و تعمیم کردن ماکسیم
 برای تبیین نظام کن در این یا کن شکل در پس این یا کن نظامی ماکسیم
 نظی هر انقلابی است، بهیچا به هر چیز و میتوانیم با همی پرده کار در دنی تولید، مسکن
 و استوار به انقلاب تئوری انقلابی با کیفیت زین پرولتری گام در هر عصر مبارزه و جنبین
 نموده در راه انقلاب پرولتاریا، وظایف خویش پاسخ گوئیم که بهیچا خودمانی آئین
 است که امروزه سلاحی در قدرت حفظ ایورتوئیسیم گذشته قرار می گیرد. امروزه سوسی که
 در پراکتیک بطور مدلول با بیگانگی با پرولتاریا، خود سازار نیست در راستان به روزی،
 تقدیمش برای تبیین کردن ماکسیم از بهترین انقلابی در راه ایده ای منطقی و مورد کار
 تئوریک و استوار کردن دولت خود به جای هر زمان تئوری بود و اینی که بطور خود بخود
 و غیر در ایام و بیگانگی با آئین ماکس اتحاد میدهد به ابلت رسیده است. و آنچه
 او که گویا بدون کار تئوریک تعیین بطور غیر زری خود بخوری و یکجا بنده میوان به تئوری
 انقلابی دست یافت، به ارزشهاش کامت بر رده است. فقط و فقط تئوری انقلابی
 ماکسیمین راهتی مبارزه، لطیفی است و جنبین که ضرورت حیاتی این تئوری را به
 اتحاد مختلف نفسی میماند و یا آنرا در عمل بدون اهمیت ندارد، ایستادگی تئوری

انقلابی بیگانه با منافع پرولتاریاست و در پی بررسی واقعیت مشخص نظریه علمی نباشد
بنابراین باید با جنبش منظمی که در کردار کارگران و اتحادیه های آنها تجلی یافته و متبذل میکنند تابع
سلطه کرد. سند اساسی رهبری که امروز در مقابل جنبش پرولتاریا قرار دارد، سند تالیف
مبارزه علیه جابینش پرولتاریا و اپوزیسیون، تجدید آموزش کارگری جنبشی است و تسلط پرولتاریا
پرولتاریا و تلاش علمی تا پذیرد در جهت ارائه تئوری در برنامه انقلاب پرولتاریا میباشد. واقعیت
اینست که جنبش شرط مبارزه گریختن علیه جابینش گنبد ارائه تئوری در برنامه انقلابی، تسلط پرولتاریا
گریختن است. بدون تجدید آموزش عمیق کارگری و مسلح شدن به وسیله علمی، جنبش جابینش
پرولتاریا و تلاش گریختن در راه تئوری در برنامه پرولتاریا امکان ناپذیر است. تنوع آن مبارزه ای
هتایت فزاید است که با ارائه به کارگرم جنبیم برای حل مسائل مبارزه جهاتی پرولتاریا
تلاش در کند. چرا مبارزه برای تسلط به کارگرم جنبیم یک اصل اساسی است؟ جنبش که
سالها در سال در جابینش پرولتاریا به پیش میبرد و در وقت سبیلها اپوزیسیون برده
است. روشن است که تئوری کردار آن در پیوانگی با منافع پرولتاریا قرار داشته است.
حال فن این گذشته نظریه فزاید و کارگرم اساسی الا که بر اساس همان ایده ای که تئوری
در تکرار همین آن خط مسی و وحدت تولید و شرط عتداتی این فن، وجود به کارگرم است
کمی که جنبش گذشته را اپوزیسیون دانسته اما وجود به کارگرم (در سه جزء) را فن می کند
و برای آن یک دوره تعیین جهت تسلط به جابینش فزاید در نظر تولیدند، در واقع به یک جنبش
معتقدند آن استیم آنان از موضوع کارگرمی حرکت کرده و به جابینش کارگرمی مسلط
میباشد! روشن است که کارگرم جنبیم یک مهم است و این علم نظریه فزاید و کارگرم
پولیس ۲۷ و در ذهن کسی راه نمی یابد. این علم یک تلاش معین و یک مبارزه
صحت می طلبد. این علم را بطور سیستماتیک باید فرا گرفت و بدان مسلح شد که
که تجدید آموزش همه جابینش و جابینش کارگرمی را اگر میسیم و پارسیم از برای میکنند
این واقعیت را نباید فراموش کرد که کارگرم در هر جابین همان خط مسی و لایق است
اپوزیسیون مسلط گذشته که برآمده و که فزاید نشان می دهد که لنده شدن لنده

از خودشان نپوهند. اینان اهلان پیش حرکت گشته که همیشه در گذشته نسبت با اهمیت تئوری
قابل بود. اینان مانند راه پهلوانان با جادویی گشته و با تئوری ایور توینیتی میسر میباشند!
و در واقع آنان استادی جدیدی پدید گشته نمی بینند. معادله روش است که این هم که با این حرکت
فرآیندی ماکسیم دانی نه گشته و گیلو ستریم واسطه باید کار روی ساعت و نیز با شروع کرد در همین
حال بگفت ماکسیم هم وجود کرده آنگاه نیز از قلب گفتار گشته بیرون نیامده اند. مسلماً از راه تئوری
واقع پرداخت و بر با هر جادویی و تئوری میسر است. لاسطه اهلان این است که این تئوری را برای چه
ماهیتی خواهد بود. تئوری علمی در مورد ساعت نظام اعتبار ماکسیم لیتیم انکار پذیر است و لایق
عبیثی که با آن گنگر تئوری تئوریک گریز شده و بعضی حرکت سفید در آن هرگز نمیتواند تکمیل
عبیه را از یک مرجع تاریخی انجام دهد. هرگز نمیتواند واقعیات مشخص را در راستای یک تئوری
پروگنوزی سر در پیش قرار دهد. واقعیات استعدادی. طبیعتی، نقطه بر تئوری ماکسیم در انگلیس قابل
تبیین بوده و حال آنکه جادویی تئوریک تفسیری ایور توینیتی از این واقعیات ارائه خواهد کرد.
البته روش است که صرف وجود ماکسیم بیان آن نیست که یک فرض را برای اهلان گزینش باشد.
آنچه که ماهیت جوهرات را نهایش خواهد داشت. در نظام ماکسیم لیتیم با ارضای مشخص در
پیدا کردن آن در کرد و خواهد بود. که پند که ملاک تھا، راه است خواهد داد، چنانچه پیاده کردن لیتیم
در شرایط معین و با عبور است و نیز ارائه تئوری در این باره ماکسیم لیتیم معین خواهد بود.
و چون ماکسیم لیتیم نام اول در شرط ضروری است، در شرط گامی در پیاده کردن آن تا همین
خواهد شد. پس در اینجا بگفت بر سر بیان شرط معنی و نام اول است و هرگز نباید با آن دید انزوا
است که با این اختلاف این ضرورت را نمی سفید. این منابع هم توجیح است که تئوری اهلان
همین خواهد شد. مورد و مورد ترفیع قرار گیرد و امر دیگران و جوهراتی که اهمیت اساسی کتب تئوریک
ماکسیم را میسر بود این در حاشیای هم پیشه و جوهراتی که در تئوری است. در اهمیت به ارضای معین
ام ریتمیک تا در تئوری اهلان تئوریک ترفیع نموده و تئوری ایور توینیتی ارائه نموده است. ماکسیم
در تئوری ماکسیم و گسترده زده و گوناگون ترفیع قرار داده است. غنیان این ارضای سر ارضای
و عودا نیز از خود که هم توجیح علمی به بوده اما حرفه پیش خوب بر آید است. عمل کرد در این
همان تبلیغ و ترویج تئوری و سیاست در همان سازمانی ها بود. تئوریها و سیاستی که در اهلان
واقع با اهمیت جامعه ایران، نه باقی انقش حلقه است. قدرت سیاسی حکم و ... ارائه
میسند. ارضای بوده است. معجزان نموده جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری بوده و تحول سیاسی
آن در دوره انقلاب سوسیالیستی است. دیدگاههای ایور توینیتی با این اختلاف در تئوری اهلان
خود، ضرورت این انقلاب را معنی کرد. در تئوری در اوست که در تئوری ماکسیم نه باقی بود

عمل کرده اند. این ایدئولوژیسم و بی آن بود تا صاحبان نظرهای منطقیها بر مردگان داشته و یا
 در واقع به عقب نشینی در از پیش انتظامی حکمگری نماید. این ایدئولوژیسم در کردار خود، خواستار
 حفظ مناسبات هم نشانی و نظم کهنه بود است. بنا بر این خط مشی هر یک از افراد یک خلق یکسان
 خط انتظامی و اقتصادی است که با بود و این پیش نبوده و ایدئولوژیسم به این معنی معنی معنی بود است
 پس دیگر در شخص خود در سوز ویدی انتظامی خود و ایدئولوژیسم جز حیوانیت و منافع خود ندارد
 دیگری تعجب نمی کرده است. علاوه بر آنکه بر خلاف تمامی آرزوهای ما یکس و انطس این آرزوی
 مردم با بر است. نفور کس بر بوط و بوط و بازی و شور و شکر بوط و با اهمیت ایدئولوژیسم تربیت مینده است
 و این تربیت و تقوای عام ما یکسیم بوده است. تمامی خط مشی ای بود و در پیش این ایدئولوژیسم
 بوده و در سوز ویدی عام و سوز ویدی همانی تربیت ایدئولوژیستی نوزده اند. چنین تقوای عام بر جوانان و بزرگان
 مبتنی بر تعصبات ایدئولوژیستی از سوز ویدی یکسیتی مینویستی بوده و این پیش به تربیت و معیت زنده با هم
 دست زده است. بنا بر این معنی این گفته در تمام اجزایش، آموختن سینه یک یک با یکدیگر را
 بنا بر پیش شرط حرکت مطیع میانه و پس وقت با تمام قوا با یکدیگر با یکدیگر با یکدیگر با یکدیگر
 هم با همه جلالتی بر قدرت و فرا گرفت

مردمان در شرایط علمی و فنی که ما یکسیم مینویسیم مورد توجه کتافان و گسترده قرار گرفته است و
 قدرت این آموزش و معیاری است. امروزه مثال گیری شکست از ریاضت و سوز ویدی
 و استقرار همه در سوز ویدی. بر سوز ویدی برین اعلی و تمامه کوشش "مرگ ما یکسیم مینویسیم و اعلام
 میارند. امروزه کف در سوز ویدی شود و چیتا و ایدئولوژیستی و سوز ویدی بر سوز ویدی و ایدئولوژیستی ای می
 تمامیم قرار دارند که در فضا مرگ مینویسیم و این با اعلام نوزده و در کفراکت که کفراکت مرگ یکسیم
 و در کفراکت و نیز اعلام نماید. امروزه برای بیست و سه روزی، در سوال و کفراکت و در سوز ویدی و ایدئولوژیسم
 و کفراکت با قدرت تمام بیافاستانند. ما یکسیم مینویسیم و در کفراکت و در کفراکت و در کفراکت و در کفراکت
 سوز ویدی بود. امروزه بر کفراکت از کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت
 علی ایدئولوژیسم انتره بیونال ویم و سوز ویدی کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت
 و در کفراکت علی ارتداد باید و پیش بود. کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت
 ارتداد بین اعلی، اوله کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت
 هر چه از ای علی ارتداد و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت
 ما یکسیم و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت و کفراکت

بسیار است. این اختلاف از دو زاویه مطرح است، یکی از دیدگاه ابعاد این کار، تزویر و دیگری
 در مدک اهل بیت، کار تزویر و دیگری نیز در کتبیم. ترفیع بیشتر می‌دهیم: در مورد اول
 در احوال اصلی پروزی نام: اول در آن که میزاهد سریع کار را تمام کند و ضیاع هذورا
 راحت کند. این درک و سایر فزالیسم و پراگماتیسم و جرمه‌ها کار تزویر عام است. این درک
 با سطح تعریف سند و محقق این از فزون مسند و فزون بدست، میزاهد سند را مفید و با فضا
 تلقی کند. در حقیقت این فکر ادواته‌ها را، فکر کوتاه بیخا، محدود و هراس و پراگماتیستی امروز
 گذشته است. این فکر در پی یک تحول تزویر محقق نیست. هر چند ادعای آنرا می‌کند
 و مقام آموزش، برنامه‌ریزی، یک راه‌کار می‌کند. این واقعیتی در دست و در پس آموزش بود
 که تحت شرایط اشتقاق و تردد عینی، بوسه‌دهی عام و فزون و کلان و تیره باران، افراد
 بسیاری با نیت خیر و با نیت محقق به تصور کنیم در راستای ما هستیم قرار دارند و می‌باید که از
 تلقی این واقعیت که محقق است که جویشی و شش محدود و با آن بیخا، با ما هستیم کرده، تغییر
 نمی‌دهد. پس اگر بایز از گذشته در پس تلوت، اگر خط مشی جنبش هند ما هستیم کرده.
 اگر تزویر این امروز نیستی کرده، با هر طبع و پوی سیرا می‌گیریم لیکن نیست. نباید بر خود که
 بیخا و که اشتقاق به تزویری تلقی نمود. بدون تزویری محقق نیستی، نیت در راه منافع بر بیخا
 ضیاع بر دست. دوم در آن که در هر کار ما می‌گیرد. این درک از آن می‌باید که کار تزویر
 عام را از فضا یک شخص در اطمینان، با ما می‌گیرد و یک مطالعه می‌دهد و لیکن
 و این درک بر روی کتاب و مسودت وجه قرار می‌دهد. این درک است حقیقتی که مطالعه
 تزویری عام فقط بخاطر ظاهر آن در پراگماتیسم و با هدف ارائه تزویری و برنامه‌ها است. ما این
 از آن می‌است که در اطمینان با ابعاد مطالعه تزویر خود نمی‌تواند.
 اما از آن می‌کند که در اطمینان با اهدیت کار تزویر و سه خود بروز می‌کند، که لند؟ از هم
 با نیت این از آن است، از آن می‌است که کار تزویر و دیگری خود تلقی ما می‌گیریم را
 فنی کرد، و یا هرگز بدان ما می‌باید که از آن می‌دهد. در این زمینه باید تا حدودی مسند را از
 کرد. این دیدگاه از آن می‌سند و باید بیخا طرح می‌کند، از آنجا که باید واقعیت است در برنامه
 کار کرد و از آنجا که این موضوع با اقتصاد و سیاسی را با تکلیف طرد، با برانی با اقتصاد
 سیاسی مطالعه کرد و فلسفه ما می‌کند و اقتصاد نزدی ندارد و یاد بر یک کار هر جا که هست

آن طرح است، فلسفه هم میتواند مورد مطالعه قرار گیرد. معنای دیگر در حال حاضر کار تئوری اقتصاد را شروع می‌کنیم و بیان می‌کنیم که فلسفه ریاضی و تئوری در بنیاد انقلاب ایران را اداره می‌دهیم. در طول این یکسره هر چه به فلسفه نیاز بود به آن رجوع می‌کنیم. این هم هرگز گریز از اصل نیست که هرگز دست مطالعه جدی فلسفه مارکسیستی را رها نمی‌کنیم. این زاویه دیگری از خواص هنوز از همان دهه‌های گذشته در زمینه کار تئوریک نبرده است و در واقع اهمیت همه جانبه تئوری عام را درک کرده است. قبل از نقد این دیدگاه ایرانی، توضیحاتی چند لازم است:

جهان بینی جدید است. جهان بینی یک سیستم از نظریات و افکار در مورد مسائل طبیعت، جامعه و انسان است. در این پیوندها آورده شده است. جهان بینی خود مجموعه‌ای از تئوری‌های گوناگون است که در زمینه‌های مختلف در بنیاد مسائل گوناگون بحث می‌پوشاند. جهان بینی پرولتاریا یعنی مارکسیسم لنینیسم از شاخه‌های تئوریک سیاسی تشکیل می‌شود: تئوری‌های فلسفی، تئوری‌های اقتصادی و تئوری‌های سیاسی. لنینیسم علمی تشکیل دهنده جهان بینی پرولتاریائی می‌باشند. در واقع مارکسیسم لنینیسم از سه جزا تشکیل شده: تجزیه‌ناپذیری فلسفی، اقتصادی و سیاسی تشکیل شده است و این سه جزو در مجموع خود یک سیستم حاکم و جامع علمی و انقلابی و طبقاتی را می‌سازد. بقول لنین: «تئوری‌های ما این است: آئین ما این است. این آئین جامع همه‌گانه است، چنان‌که آن جهانی کامل را می‌دهد که هیچ نوعی از خواننده، ارتجاع، یا سیاست را برود از این سازگار نیست (در سطح پرولتاریا) در زمینه فلسفی، قوانین دیالکتیک، تئوری رابطه ماده و شعور، تئوری انقلاب، تئوری تکامل، تئوری نیروهای ساده و مناسبات تولیدی و غیره، مورد بحث قرار می‌گیرد. در زمینه اقتصاد سیاسی منطق سرمایه‌داری، تئوری ارزش، تئوری اجناس، تئوری مبارزه، تئوری پرولتاریا، امید و لنینیسم و... مورد بحث قرار می‌گیرد. در زمینه سیاسی لنینیسم علمی، تئوری انقلاب و لنینیسم و سوسیالیسم، تئوری‌های متر، تئوری طبقات و مبارزه طبقاتی، تئوری دولت و دیکتاتوری پرولتاریا، استراتژی و تاکتیک، تئوری فرج و... مورد بحث قرار می‌گیرد.

بنابراین هر چه این بخش از یک سیستم گوی معنی بهم پیوسته حاکمیت همه جانبه را شکل می‌دهد و در طبیعت خود بیان و جنبشی پرولتاریائی است و در رأس آنست که این جهان بینی تجزیه‌ناپذیر است و هر کس در ارتباط با تکلیف با بخش دیگری معنای واقعی خود را پیدا می‌کند. مسئله آید و اینها قابل تأکید است، مسئله تمام تئوری فلسفی است. آنچه مسلم است فلسفه مارکسیستی

یعنی ماتریالیسم فلسفی یکی از سه فرا اساسی‌های جهان بینی سوسیالیسم است. ولی در همین حال باید گفت که این جزا هسته مرکزی و اصلی این جهان بینی علمی را تشکیل میدهد. زیرا فلسفه ماتریستی عام‌ترین و کلی‌ترین قوانین مربوط به طبیعت و جامعه، فکر را مورد کثرت قرار می‌دهد. نظریات فلسفی و پدیدشناسی سایر تنوع‌های بسیار دیگر و نقش بسیار مهمی در عمل جهان بینی اینها را ماتریالیسم فلسفی (ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی) آن‌ها را در آن گنجانده است که بر اساس آن سایر نظریات اقتصادی و سیاسی بتبیین گشته است. فلسفه ماتریالیستی علم را مطالعه قوانین

"مغز و روح مطلق وسیله تعامل" آگاهی است، علم "اعلاق" نیست، علم "صداقت بر مبنای و شخصیت فردی و پذیرش اراده انسانی" نیست، علم بی‌پرورد است "خدا در آرزای آشنوی گشته است". اینگونه مسائل موضوعات اولیه آلیسم فلسفی است. فلسفه ماتریالیسم خودکام علم است و از همین دریچه علمی کلی‌ترین قوانین جهان را مورد بررسی قرار داده و در واقع اینها را در پیرویه و در دنیاها و قوانین عمری حاکم بر جهان هستی، اهم از طبیعت و جامعه و فکر را توضیح میدهد. من الکل سیمی یا فیزیکی یا بیولوژی قوانین یک جنبش شخص و محدود از واقعیت جهان مادی را توضیح میدهد، حال آنکه فلسفه دیالکتیک کلی‌ترین قوانین حاکم بر جهان را توضیح میدهد. قانون تغییرات کلی و تغییر حوش یا کلیتی، قانونی است که حاکم بر تمام پدیده‌های هستی (از جمله پدیده‌های مربوط به حوزه فیزیکی و شیمی) میباشد و این قوانین کلی موضوع فلسفه دیالکتیک است. ماتریالیسم دیالکتیک بر اساس همین تعریف فزونی تاریخ جمیع و هم‌لیس موجود را مورد تحلیل قرار داده و ماتریالیسم تاریخی بیان توضیح آن است. ماتریالیسم تاریخی قانون حاکم بر جمیع را توضیح داده و نشان میدهد که جمیع حکم و بازنقش‌های عینی بر روی با نقض و تیرهای موله و در نهایت تدریجی م انقلاب اجتماعی و متحول می‌گردد.

بدین ترتیب جهان بینی ^{فلسفی} سوسیالیستی عبارت از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی میباشد این فلسفه همان هسته مرکزی ماتریالیسم است. و انفا تا حدکس و انگلس نیز با اعتبار همین تشریح فلسفی قادر میگردد به تحلیل عمیق از جامعه سره و دارای پرافتخار و مسائل مربوط به جامعه و طبقاتی پروردار را تحلیل کنند. در واقع ماکس و انگلس در راسته تکلیف خود با فلسفه ایده آلیستی عقلی، با فلسفه ماتریالیسم فوثر باخ قرار دشن می‌گردد و با روشن کردن این

این مطلب و پایه قرار دادن آن، به اراده تئوریهای اقتصادی سیاسی خود می پردازند.
 مارکس و انگلس به دنبال اراده دیدگاه فلسفی خود در "ایدئولوژی آلمانی" در طرح ماتریالیسم
 دیالکتیک - تاریخی در آن، تبدیل انگلس مطلب را برای خدمت آن روشن می کنند و بر پایه
 همین دیدگاه بنیادین است که نظریه متمرکز به تمایل از اقتصاد سرمایه داری میپوزند.
 معمول این کار است که بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی استوار بود "کاپیتال"
 است. "کاپیتال" بنیادین است و در وقت آن دیالکتیک بیان آن کار به فلسفه ماتریالیسم
 دیالکتیک - تاریخی در تمایل از جامعه مدرن بود. همه و تمایل دیالکتیک فاکم بر کاپیتال تجسم
 معنی در وقت آن ماتریالیسم دیالکتیک است. "حیات خانوادگی و مالکیت خصوصی و دولت"
 مذهب و غیره از پیاده کردن ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی در هر چه تمایل از هر جامع تا قبل سرمایه داری
 بود. این تمایش فلسفی مارکس بود که مطرح می یافت بر اساس دیالکتیک، واقعیت ثابت فلسفی
 وجود ندارد و بر اساس همین امر، سرمایه داری نه تنها بر طبق تاریخ بشریت، بلکه تنها بنا به
 یک دوره تاریخی بشریت مطرح است و این سبب قبولیه بنا به تضاد ای درونی این مفهوم
 بشری است و بر مبنای این تضاد است که تضاد افراد در تاریخ ظهور می کند و نه سبب بر اراده های بزرگ
 مناسب است البته است، بلکه این امر تمسک بر مبارزه طبقاتی که بر دنیا و انقلاب پرولتری است و سرنگال
 هر جامع بشری بنا به این متغیر انجامد. انقلاب سرمایه داری علم بشری است که بر اساس این است زیرا بنا به
 تاریخ دیالکتیک و تطابق سرمایه داری و همیشگی نیست و تضاد ای مایل موجود در آن زمینه ساز
 انقلاب پرولتری است. مارکس و انگلس مبارزه طبقاتی را افتراخ کرده اند، مبارزه طبقاتی است طبقه منافع
 از ذهن مادی در درون آن بنا بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی است که مبارزه طبقاتی را
 تعیین نمود و نتیجه گرفته که در مبارزه طبقاتی پرولتری، سرمایه داری برولتری برولتری و در نتیجه
 می انجامد. این تمایل بر اساس توهمات و ذهنیات مارکس و انگلس نبود، این تمایل بشری بر
 قانون دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی بود.
 بر اساس تمهینی ته فوق، ماتریالیسم فلسفی نه مثالی جهانی و فرعی، بلکه یکی از اسرار

ماکسیم و هسته اصلی جهان بینی پارتیائی است و حال آنکه نیکم در کتب و آراء خود از مذهب خود هیچ حرفی نگوید
 ماکسیم مذهب فلسفی در نظر نمی گیرد و با مکان فرعی برای آن در نظر دارد، در واقع مذهب باطنی
 را حقیر و خردمند شمرده و با این ترتیب به مذهب بودائی خدمت میبندد. نکته تفکر این افراد
 مذهب، مترادف «مذهب باطنی» و «پیداافتن» با آن معنای «وقت گذر» و «رستگاری» است.
 آندیش مذهب ماکسیمیتی مذهب سرزمینی و پدیدافتن به حال تمریدی و بعد از ذهن نیست، زیرا
 مذهب ماکسیمیتی جنبی بطنی و بیفایده و یا بزبان دیگر مذهب باطنی نیست. این مذهب برای
 کهن ترین و کمترین قوانین حاکم بر کیهان جهان است. همانگونه که به علم شناخت از
 روی ماکسیم علی ستوان ستوری دنیا تدریسی پدیدار و انقلاب تدریسی را در آن مشاهده کردیم
 ستوان بدون شناخت اعتقاد کلیاسی، جامعه سرزمینی را توضیح دارد، بدون شناخت از
 مذهب ماکسیمیتی نیز ستوان حلقه طاقی حاکم بر جهان را در دست. حال آنکه سطح سواد
 به دل شناخت تلویح از مذهب ماکسیمیتی ستوان به سالی سافت اعتقاد را بر فرورد
 در پاسخ، این دیدار فلسفی با ماکسیمیت هتاکیم مسئله شناخت فراسیون اقبالی یک جامعه
 مشخص مطرح است، چگونه بدون آنکه ماکسیمیت و دیالکتیک و تاریخی ستوان آنرا
 بجز ماکسیمیت صریح دارد؟ ماکسیمیت بر آنست که در آخرین تحلیل تولید مادی و مناسب
 که بر آن حاکم است، تعیین کننده تاریخ آن جامعه است. حال بدون این درک تولید
 حلقه کهن است روش و سده همی در تخریب و تحلیل واقعیت آن جامعه مشخص است و نمود
 سطح مذهب ماکسیمیتی نیز ستوان بطرز صریح و دیالکتیک تحلیل معنی از یک جامعه ارائه
 دارد، بکم بعد از «کاپیتال» ماکسیمیت برستی درک خواهد شد. ماکسیمیت، تدریسی
 دیالکتیکی و کهنی بر ماکسیمیت است و این مذهب، نقطه آغاز خود را بر حقیقت معنی می گذارد
 حال آنکه مذهب های ایده آلستی - ماکسیمیتی بر مذهب مذهب فوق وقت ماکسیمیت «کاپیتال»
 توضیح هر یک هر یک معنی را این توضیح فقط بر اساس ماکسیمیت و دیالکتیکی و تاریخی
 ماکسیمیت است. درک عمیق کاپیتال در هر دو مذهب ماکسیمیت فلسفی است.

بنا بر این هدف از آموزش فلسفه ماکزیستی مسلح شدن به مائزولسم و بالکلیت تاریخی است تا به
 اعتبار آن بتوان بطریق درست اقتصاد سیاسی ماکزیستی را درک نمود. چنانچه تألیفی که در بالا در اجح به
 ضرورت آموزش فلسفه علمی شد، هرگز معنای کم بهادارن به اقتصاد سیاسی نیست. باطله که بدون سده
 مائزولسم و بالکلیتی مائزولسم تیررس علمی جامعه پیروانیم، بدون درک از اقتصاد ماکزیستی مائزولسم
 نخواهیم بود تا قوانین اقتصاد و حکم بر جامعه را توضیح دهیم. آموزش اقتصاد سیاسی در هیچ و هنده آن
 شرایط علمی تاریخی معین است که در سده آن مبارزه طبقاتی جاری می گردد. درک مبارزه طبقاتی در
 تحلیل از وضعیت اقتصاد و گاه به گاه نسبت به مائزولسم در آن اکتون تاریخ برامت سال ۱۸۴۰
 سده آغاز جنبش پرولتاریا در آید با است. این جنبش کجا می رود؟ مبارزات پرولتاریا به چه می انجامد؟
 این سؤالاتی است که در کتاب ملرگن قرار گرفته است. ملرگن با اقتصاد از فلسفه عقلی و مائزولسم آن،
 در پرولتاریا است پرولتاریائی زمان خود. با فعالیت در زمینه مسائل انقلاب فرانس ۱۷۸۹-۱۷۹۱
 یافته مائزولسم علمی تحلیلی را اقتصاد سیاسی کلاسیک، درک می کند که در سده مبارزه سیاسی در مبارزه طبقاتی
 و این مبارزه بر اساس شرایط مادی موجود در جامعه است. تحلیل عمیق این مبارزه به برقیست اقتصاد
 جامعه بر می گردد. درک از رویه های سیاسی و قدرت ^{علمی} تمام، بدون تحلیل علمی زیست اقتصاد و کارایی
 قدای طبقاتی غیر ممکن است. یک نظریه آلمانی، روسی، دولت و نه به است اقتصاد علمی را در رابطه
 با آن که در روح آن نه توضیح میدهد حال آنکه یک درک مادی و بالکلیتی این رویداد را در رابطه با
 وضعیت اقتصاد و تولید مادی و امکان اجتماعی مرتبط با آن توضیح میدهد. بدون ترتیب مسلح شدن
 به اقتصاد سیاسی شرط علمی جهت تحلیل از وضعیت اقتصادی جامعه و قدای طبقاتی موجود در آن
 است. معادله آموزش مائزولسم علمی، نقش طبقات و مبارزه طبقاتی، دولت، انقلاب و
 دقیقاً مادی پرولتاریا را توضیح میدهد. این آموزش منجمد اساساً بر شرط چارلز آستری و تئودور لوتس
 در انقلاب را در سده سیار دوری و سوز که جامعه سرمایه داری مائزولسم به نام می گویند و نیز می گویند که این دو اثر
 گفته این سیستم فرودست و وقت زود است به قدری است، نیز می گویند که سوسای واری و پرولتاریا
 مائزولسم و مائزولسم مائزولسم

بدین ترتیب آموزش فلسفه مائزولسمی، آموزش اقتصاد سیاسی و آموزش مائزولسم و مائزولسم
 مائزولسم و بالکلیت قرار گرفته و در هر یک ضرورت تاریخی مشخص می یازند. هر دو این آموزش
 به گانه بیان ضرورت آموزش مائزولسم و تسلط به مائزولسم پرولتاریا است.
 در سده مبارزه طبقاتی فقط به اعتبار این جنبش است که میتوان به واقعیت علمی که در تحلیل
 مائزولسم قرار گرفته است پاسخ گفت.

آنچه که آنگاه بیان شد، در دستور قرار دادن سطح لغت سینتاکسیک یا کیمینیم در سه جزای
 در دو نه گذشتی از جنبش ایران، یک ضرورت تاریخی است. تا می‌تواند مورد ملاحظه که این ارزیابی
 رسمیه اند که خط حاکم بر جنبش آنچه توشیحی بوده است و چه در این سراسر کوشش بیانی شفافی
 خود را در شرایط ایران، در این استواری و برنامه‌ریزی می‌یابد و در ضمن کار تئوریک را برای پیروان
 در دستور قرار داده اند. این بهیت نظریه‌های این وظیفه را به پیش برده و به حول کارزارهای خود
 از خطه‌های داده‌های فکری و دست‌آموزی معین که خواهند رسید، عبارتند از این که لغتیک شفافی را به پیش
 برده. مسائل جنبش به یک مضمون محدود نمی‌شود و بهیچ‌لی‌ط، از این خواهد بود اگر در همین سطح از
 رسیده عبارتند از مسائل عبارتند از یک در درون یک مضمون باقی ماند. امروز در کعبه از توره
 سریع فکری قرار داریم و مسائل پیچیده و بسیار عمیقی در میان جنبش مطرح شده است. بنابراین عبارتند
 از این که لغتیک فعال میان مضمون و فضا هر از یک ضرورت فکری حمایت می‌کند. هدف کار این مسائل عبارتند
 از این که لغتیک در یک مضمون و در این استواری و تئوریک از خطه‌های شفافی و به پیش از آنکه مضمون یک
 در یک محدود و گریزانه و در واقعیتی و اینست که این جنبش از زبان، گریزانه از این که لغتیک را در این از زبان
 در بسته این عبارتند از مضمون فعال که در هر چه گریزانه میان مضمون و مسائل یا سطح‌های دست‌آموزان است
 خواهند نمود. بهیچ‌لی‌ط دیگر به حول وظیفه‌های گریزانه که عبارتند از مضمون تئوریک است. نه تنها بهیچ‌لی‌ط
 آموزشی سینتاکسیک و اجابت را به پیش برده و در سطح عمیق‌های شفافی از آن نمود، بلکه عبارتند از
 سطح جنبش سینتاکسیک در همین فضا عبارتند از این که لغتیک، بهیچ‌لی‌ط نظرات و این که مباحث این از این
 پرده‌های دیگر که تئوریک در نسبت و هدفی مضمون را در سطح جنبش آنگاه منتشر ساخت. ارتباط با این
 چیزی که کارگری و مسئله آموزش ما کیمینیم آنگاه، عبارتند از این که لغتیک میان مضمون و تئوریک
 و اینست که جنبش آنگاه کلاسیک یا کیمینیم از جنبش‌های ضروری و تکمیلی خطه‌های شفافی است.
 بر اساس آنچه بیان شد، در اینجا به این برنامه عملی کار تئوریک عام می‌پردازیم و از آنجا که
 هدف این کار تئوریک کار تئوریک آن در شرایط شفافی و فکری را به پیش برده است
 در، فزاینده. "برنامه عملی جنبش فکری و روش‌های انقلاب ایران" را نیز از این برنامه.

برنامه برای آموزش ما تئوریک فلسفی

① ما تئوریک و اینکتاب هسته آموزش آنگاه ما با سه گانه آموزش است که بر اساس پیشه‌ترین
 جزایات فکری بشری در جهان سرآمدی که بیان فکری کامل یافته طبقه بوده و از این بود، تا این
 فلسفه، عقیده‌های دست‌آموزی خطه‌های شفافی و فکری در این روش محدود بود. خرافات و نقص‌های جزایات
 فلسفی بود و از این بود که دست‌آموزی که پیش از این، خود به ما تئوریک کیمینیم بگیرد و آموزش فکری فلسفی طبقه‌های

برای تغییر واقعیت طرح گشت. با ترجمه نقشی که نظر فلاسفه بود در این درجه مدرن دنیا نماند و باقی ماند
 همه در کوزه این فلاسفه ضروری است. مطالعه این جویات فلسفی، همه را میسر میسر فلسفی را محقق
 ساخته و بعد از آن با ترجمه فلسفی از کلاس با اید، فلسفه را به روش بنامی می خواند. آنگاه فلسفی تغییر با این
 تعلمات فلسفی، در یک نطق با ترجمه فلسفی با کلاس نسبت به آنرا را تسهیل می نماید. با این پیشرو
 از کتاب «تاریخ عقاید اجتماعی» (مرتضی رافعی) و کتابی سبب آن، فلاسفه در آن دوره در آن
 در مطالعه فلسفی سبب مراد با کلاس، هوبس، اسپینوزا، کانت، هیوم، برکلی، اریک و
 کلاس مطالعه شود.

② هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱) یک فیلسوف آلمانی است و فلسفه او در فلسفه کلاسیک است.
 هگل بر آنست که معنی واقعی وجود همین دغدغه چنان دارد و جهان واقعی نتیجه تکامل عقل محقق است.
 روح مطلق در سیر تدریجی خود از خود پرورد خارج شده و به جهان مادی تبدیل شده و به صورت ماده
 تبدیل شده است. ایده مطلق شالوده هستی، طبیعت و جاسبات است. این جنبه از فلسفه هگل جنبه
 ایده آلیستی می باشد که از آن در حقیقت ارجحی فلسفه ایدئولوژیک می دهد. اما از سوی دیگر فلسفه هگل دارای
 یک جنبه اعتدال و عقلی است. این جنبه همان رویه تکلیف است و در این تکلیف بزرگترین دستاورد
 فلسفه کلاسیک آلمان بود. بر اساس این قانون هیچ چیز عقلی نیست و به نسبت نظام هستی در چه بود؟ در
 حلال یک تغییر و تحول و همین مداوم سیر می برند. اثری که به بهترین وجه این جنبه از نظر فلسفی
 هگل را بنام «علم منطق» (Science de la logique) می باشد. این همان اثر
 ارزنده ای است که لنین «دفعه ای فلسفی» خواند و بر آن تاکید ویژه کرد و گفت که برای درک
 عمیق رویه تکلیف این اثر هگل کفایت می یابد. در فلسفه هگل از زبان خارجی تسلط دارند و در آن
 این اثر را مطالعه کنند، در غیر این صورت «فلسفه هگل» از سستی مطالعه می شود.

③ فوئرباخ (۱۸۰۴-۱۸۷۲) که خود از هگلی های چپ بود علیه ایده آلیسم هگل می یازد و فلسفه
 ماتریالیستی خود را مطرح می یازد. از نظر او روح مطلق، یک طبیعت، شالوده هستی است و سیر
 انسانی از این شالوده است. دور نطق هگل تنها محتوای ایده آلیستی فلسفه هگل، بلکه حتی رویه
 او را نیز در آن افکار و عجز قادر نمی گردد تا ماتریالیسم را از عجز که خود این در آن خارج سازد.
 او با فلسفه کلاسیک «گورسچیت» (۱۸۱۱) جنبه فاضلی اندیشه ایده آلیستی کلاسیک و متوجه خدا
 مذهب وارد می یازد. فوئرباخ برای مدتی بر روی مکتب دانلسی تأثیر قابل توجهی داشت و تا مدتی
 مکتبی از نوشته های ماتریالیستی مکتب فوئرباخ است. تأثیر نقد فلسفی فوئرباخ بود. با این آشنایی نقد

با نظر فلسفی فخری باخ حجت درک تحقیر فلسف، مارکسیستی، اهمیت پیدای گند. زیرا این نگار بر روشی مخالف است
 با تریالیسم قبل از مارکس است و سیصد نقدی انگلیس فخری باخ حلقه واسطه بین فلسفه عقلی و شوروی
 مارکسیستی می باشد. در واقع با تریالیسم قبل از مارکس حکایت است یعنی پدید آمدن آنرا با قد این حکایت
 توضیح می دهد، تا فخری باخ است یعنی دیالکتیک نیست، در هر دو مبارزه طبقاتی - اجتماعی است. حکایت
 است پس مافوق درک هیچ از ریشه استفاده می - طبقاتی مسائل مبارزه طبقاتی است و سوسی تاریخی است
 و با حوزه مستقل و شامع است زیرا با توضیح و تعبیر بدون سبزه می کند و نقش پراتیک حجت
 تغییرات اجتماعی چون مارکس نمی بیند. در این زمینه رفته اگر زبان خارجی آشنایی دارند می توانند اثر
 برجسته فخری باخ یعنی "گور مسیحیت" را مطالعه کنند در فیلسوفیت جزوه "پنجت" مقدمه
 و یادداشت بر لودویک فخری باخ" مطالعه کرده.

④ قبل از آیم آنا یلسن، مارکس و انگلس مورد مطالعه دقیق و جدی قرار گرفته، لازم است که چند
 جزوه کوچک مارکسیستی که تقدیر کرده ام از مارکس ارائه می نماید و بطور مختصر آنرا بررسی جز خود بیان می کنند،
 مطالعه شود: سه منبع و سه جزه مارکسیسم (۱۹۱۴ - لنین). زندگی نامه مارکس
 (۱۹۱۸ - لنین). این دو سند مطالعه بسیار مفید است. اساسی ترین حلقه طحری مارکس را توضیح می دهند
 و نشان می دهند که چگونه سه جزه فلسفه، اقتصاد و سیاست در رابطه با یکدیگر قرار دارند
 و تغییرات مارکسیسم یک تجربه تجزیه و تحلیل بر راتفسیل می دهد.

⑤ مارکس پس از آنکه از نظر عقل جدا می شود، برایش فلسفی فخری باخ می پیوندد و ما این دوره
 که هنوز وقت تاثیر فخری باخ قرار دارد، "نقدی بر فلسفه حقوق هگل" (۱۸۴۳-۱۸۴۱) را می نویسد و از این
 نوشته آیم هگل را انتقاد می کند. مارکس "مسئله یهود" را در سال ۱۸۴۳، "یادداشت های
 اقتصادی و فلسفی" را در سال ۱۸۴۴ و با حوزه "خانواده مقدس" را در سال ۱۸۴۵ نگاشته
 در آن آید. در این آثار تاثیر نظر فلسفی فخری باخ به نحو با زدی با برجاست. مارکس در سال
 ۱۸۴۵ در مونیخ با فخری باخ بطور بسیار عمیق "تشریحاتی درباره فخری باخ" را می نویسد. این نوشته بسیار
 تحول گذرناک است. بعد هگلس در این دوره از این تشریحات می نویسد: "از ذهن آنا بنجامین سندارینا
 که نظریه پرستش حجابین زمین را در بر دارد، از حد و قیاس فرودان است" (سند - لودویک فخری باخ و
 پایان فلسفه هگلس، ۱۸۴۵). در واقع مارکس گفت بنیادی مارکسیسم را قبل از هر چیز در نقد فلسفه هگل
 و سفسطی هگل و فخری باخ قرار می دهد و نقد فخری باخ و بطور آن که "تشریحاتی درباره فخری باخ" بیان
 سده آغازنده حجابین زمین است. بنیادین مطالعه دقیق تشریحاتی درباره فخری باخ است
 و بره حجت شروع مطالعه فلسفی ما اینجا می باشد.

④ "ایدئولوژی آلمانی" (۱۸۴۱-۱۸۴۲) اثر برجسته فلسفه ماکس و انگلس است که در آن برای اولین بار مبنای فلسفه آنها بطور جامع مورد بحث قرار می‌گیرد. این اثر در اشتقاق و تحلیل دگرگونی‌ها و مکتوبات ماقبل ماکس یعنی فویرباخ، بر دو باطن و ماکس استیگر و فلسفه ماتریالیستی و مبنای کارگری ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک را مطرح ساخته و بطور وسیع با اشتقاق از ایدئولوژی فلسفی کلاسیک آغاز استنباط مادی از تاریخ را بیان می‌کند و نقطه پایان بر فلسفه کلاسیک می‌گذارد. این نوشته نخستین فویرباخ است که به زبان خود حقیقتی پررونق را با دست برداری بررسی واقعیت مادی را توضیح داده و بنابر این مطالعه آن برای اهمیت اساسی است.

⑤ "فقر فلسفه" در ۱۸۴۴ به نگارش می‌آید. در این نوشته جنبه‌های فلسفی و اقتصادی مبنای ماتریالیستی لایب و تیتر مطرح می‌شود. ماکس در پیوند با مباحثات سیاسی خود در این سند، لایب و تیتر را به علی‌پردون پیوند بر خاسته و نظرات پرودون در کتاب "سعی در تصدیق و یا فلسفه فقر" را نقد می‌کند. نقد پرودون و مبنای ماتریالیسم خودمختاری و روش مبنای کارگری و فنون کارگری در آن تأثیر مهمی سیاسی می‌گردد.

⑥ "پی‌گفتار چاپ دوم کاستال" که در ژانویه ۱۸۷۳ توسط ماکس به نگارش می‌آید که به دست لایب و تیتر بسیار موجز و روشن شده و لایب و تیتر خود را در توضیح داده و مقام کل را دستاورد او را مشخص می‌کند.

⑦ "آنتی دورنیگ" در راستای مبارزه فیزی به نگارش در آید. زمانی که وحدت و یگانگی غرب از جناح راجوان بوده و آنتی دورنیگ تبدیل کرد، زمانی که دورنیگ با ادعای ماتریالیسم و دفاع از علم بر ضد اندیشه ماتریالیستی بر خاسته بود. انگلس مهم می‌رود که پاسخ هر جانبی را بداد به حد. "آنتی دورنیگ" که طی سپتامبر ۱۸۷۶ آغاز شد و در ژانویه ۱۸۷۷ خاتمه یافت. محمول مبارزه تا طبع انگلس علیه کلمات ارتجاعی دورنیگ است. این نوشته برای اولین بار سنتزی و تحلیل فیزیکی شدت مبنای ماتریالیستی از جان آراش می‌کند. در این کتاب به بررسی مبنای مکتب تأسیس شده و مبنای اول آن مربوط به توضیح ماتریالیسم فلسفی است.

⑧ "دیالکتیک طبیعت" اثر برجسته اما نه سفاک تا آنکه انگلس است که در سال ۱۸۸۹ به نگارش می‌آید. انگلس لازم می‌آید برای تکمیل زیاد خانه ایدئولوژیکی پرولتاریا و روش مکتب تأسیس راه پیروزی او فلسفه ماتریالیستی را اثبات کند. مبنای خاطر از سال ۱۸۷۰ به مطالعات علمی گسترده پرداخت و قرار بود نتیجه این مطالعات در یک سند بزرگ ارائه گردد. اما هنریت برودون به فلسفه برودون آنتی دورنیگ در آن به انجام رساندن این کار بازماند. با این حال

کتاب نام "دیالکتیک طبیعت" اثر ارنست هابرماس است که در این دیالکتیک را توفیح داده. مکتوبات
تدوین را در علوم طبیعی توفیح می دهد.

۱۱) "مقاله انتشار" آنتونی دوئیگ "برای انتشار هر چه بیشتر ایده های مارکسیستی، انگلس بیان
ساده "سوسیالیسم تحلیلی و سوسیالیسم علمی" را در ۱۸۸۰ منتشر کرد. این نوشته
به فرو مارکسیم انشراح می نماید. میگویند در مورد که عمل این اثر در این جنبش مکتوب شود.

۱۲) در مقدمه ترجمه انگلیسی "سوسیالیسم تحلیلی و سوسیالیسم علمی" انگلس در سال ۱۸۹۲ مقدمه ای
مینویسد که عنوان "در باره ماتریالیسم تاریخی" خود می برد. در این مقاله کوتاه، انگلس سه
حرکت ماتریالیسم را معرفی می کند که در رابطه با تاریخ اقتصادی اجزای سیاسی آن است.

۱۳) "لودویگ فوئرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان" در سال ۱۸۸۸ توسط انگلس
بنگارش در آید. در این کتاب انگلس توفیح می دهد که تمامی جودات فلسفی در جریان اساسی
فلسفی مشخص میزند و پس در پی آن بر می آید تا بطور کامل راجع به عقل و فوئرباخ اولی نظر
کند و با آنه توفیح حساب نماید. این نوشته همچنین در مقامی از نقد مارکسیستی نسبت به فلسفه
عقل و فلسفه ماتریالیستی عقلی مابین ارائه داده و متقابلاً فلسفی فلسفی مارکسیستی را توفیح می دهد.

۱۴) مقاله "برآنگاز فلسفی آرنست و انگلس" در فلسفی اینی نف را نیز مورد مطالعه قرار
داد. آثار فلسفی اینی نف ضروری است زیرا بقول لنین برای درک مارکسیم مطالعه آثار فلسفی
اینی نف امری حیاتی است. آمار می نامند: "در باره نظر مونیستی تاریخ" یا "حده مسائل
اساسی مارکسیم" از رجه ترین نوشته کسی فلسفی اینی نف بشمارد که این مطالعه بنفوسیت

۱۵) آثار فلسفی لنین مبتنی بر مطالعه ماتریالیستی است. این نوشته آنست که به شرح بنا
ماتریالیسم فلسفی مدرکس و انگلس می پردازد، بگویم در همین حال مسائل نوینی را در راستای تعمیق
ماتریالیسم فلسفی مطرح میازد. بنا بر این مطالعه این آند بسیار ضروری است؛ کتاب
"دوستان خلق کیانند و چگونه علیه سوسیالیسم مدرکسی مبارزه میکنند؟" (۱۸۹۴)

این رساله حاجت منسی و دیالکتیک مارکسیستی و سنده اسلوب علمی را تشریح می کند.
"ماتریالیسم و امپیریو کریتیسیسم" (۱۹۰۸). این رساله پاسخی است به دربار سوسیالیسم فلسفی
امپیریو کریتیسیسم. لنین با آنکه سوسیالیسم ماتریالیسم و دیالکتیک را تشریح می دهد و نشان
میدهد که تنها در دوران اصلی فلسفی وجود دارد، که امپیریو کریتیسیسم مدافع ایده آلیسم است
که باید از اب و هرمنه فلسفی و تحلیلی نشانی بیان مبارزه، حقیقتی است. "وقتهای فلسفی"

یا "وتزهای دیالکتیک" (۱۹۱۴) ملوی یادداشت‌های لنین درباره کتاب "علم منطق" هگل
 می‌باشد. در پاسخ به مسائل مشابه طبقاتی لنین بطلان این کتاب پرداخته و لیاقت‌های پراگماتیستی
 می‌باشد. در این یادداشت‌ها، لنین به ارزیابی بی‌طرفانه هگل پرداخته و گفته‌ها را در کتاب هگل
 شدیداً مورد توجه قرار می‌دهد و مطالعه عمیق آنرا توصیه می‌کند.

پریامد برای آموزش اقتصاد سیاسی

① برای مطالعه بهتر از اقتصاد داکترینی و درک عمیق آن لازم است بطور عمده در دروس عمومی
 نسبت به اساسی‌ترین نظریات اقتصاد مائکس و مارکس داشته باشیم. این نظریه‌ها هم بطور
 دقیقتر مورد بررسی را که مائکس در مورد اقتصاد مائکس به نقد می‌کشد و در بیان آن می‌گوید
 که در کتاب مطلق تاریخی و باقی‌مانده است که در مسائل و مفاهیم اساسی در این مورد بلاغی در مورد
 که در این کتاب‌ها اقتصاد مائکس و مارکس در این مورد مطرح می‌شود. آنگاه در نظریات
 اقتصاد در آن به روشی ادامه داده است و در مورد مائکس و مارکس در این مورد مطرح می‌شود. برای این منظور
 باید کتاب "آموزش اقتصادی مائکس" را مورد مطالعه قرار داد. اگر این کتاب
 در دسترس نبود افزون بر این که همین نظریه‌ها را در این کتاب می‌تواند مطالعه کرده قرار گیرد.

② برای شروع آثار اساسی که در اقتصاد داکترینی در آن تشریح شده به عبارت این جزئیات
 بسیار در مطالعه قرار گیرد: "گروندریسه" (۱۸۵۷)، "پیشگفتار بر نقد اقتصاد سیاسی"
 (ژانویه ۱۸۵۹) و "مقدمه نقد اقتصاد سیاسی" (ژانویه ۱۸۵۹).
 این آثار را بطور موزون مطالعه و اسلوب اقتصاد سیاسی را توضیح داده و مقولات اقتصادی و
 مسائل مربوط به تولید مائکس را از دیدگاه علمی مورد بحث قرار می‌دهد. این مطالعه کلیتاً
 هدی برای برداشتن به اقتصاد داکترینی است.

③ "وضع طبقه کارگر در انگلستان" توسط انگلس سال ۱۸۴۵ منتشر شد. در این
 کتاب نشان داده می‌شود که در یک کشور سرمایه‌داری نیروی مائکس - تولیدی طبقه کارگر
 یافته طبقه کارگر این کتاب نیز سلب مالکیت از اکثریت می‌کند و طبقه کارگر را در
 کرده. اما فقر و مملکت مائکس در این کتاب که انگلس می‌خواهد نشان دهد است. تا به این
 در مملکت سرمایه‌داری مائکس به گونه‌ای بود که در این کتاب است. و در میان سایر نویسندگان
 نقش اقتصاد در مملکت تاریخی دور را با جفا حاضر و تنها نیروی بی‌اراده و سرمایه‌داری است.

بین انقلاب و تفکر اقتصادی برابری است. در همین حال صلاح گفت تا پذیرد در مبارزه علیه سرمایه است. مطالعه و تبحر گامی بسیار اهمیت دارد از اقتصاد مکتبی دارد.

⑤ "توسعه سرمایه داری در روسیه" در ۱۸۹۹-۱۸۹۶ در لنین نوشته شده. این اثر اقتصادی در دو قطعات پدید می آید که در سرمایه داری در روسیه راجع به برابری و تفاوتها در لنین نظریه‌های با آنگاه به تئوریهای اقتصادی ماکس و انگلس می‌دهد. هر دو سرمایه داری در روسیه توسعه یافته است. مطالعه این کتاب ضروری است.

⑥ "کتاب ماکس و انگلس در خصوص سرمایه داری" به امپریالیسم یعنی بالاترین مرحله سرمایه داری اشاره دارد. و باطلح تئوری اقتصاد سیاسی غیرانت است. هر دو سرمایه داری ماکس و انگلس در روسیه در دو کتاب اولین سندی که برای اولین بار در لنین تالیف سرمایه داری به امپریالیسم را نشان می‌دهد. کتاب "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" لنین است که با آنگاه به تئوریهای ماکس و انگلس در سال ۱۹۱۴ به نگارش درآمده. این کتاب شش فصل است اساس امپریالیسم را توضیح داده و نشان می‌دهد که چرا امپریالیسم، سرمایه داری در حال اقتصاد است و چرا آنست که انقلاب پرولتاریائی است. مطالعه این کتاب در درک از دوران امپریالیسم، مکتب سرمایه داری در عهد بنی‌الدین و مفهوم دیکتاتور است.

⑨ در ادامه پیش از آنکه لنین این کتاب را به نگارش در برسد و مطالعه آن نیز ضروری است. "امپریالیسم و انقلاب در روسیه"، "بزرگترین دروغین خطر فداکت"، "دولت و انقلاب" فصل ۲ و ۳، "سخنرانی در باره برنامه حزب در هشتمین کنگره ۱۹۱۹"، "گزارش مربوط به ادغام بین‌المللی و وظایف اساسی آنرا میزبان کنگره (۱۹۲۰)" از کتاب مجموعه سخنرانی‌های لنین در بهترین کتاب "امپریالیسم و امپریالیستها" (۱۰) برای درک هر چه که از اقتصاد امپریالیستی که به بی‌ترتیب امپریالیست در مطالعه قرار گیرد. اقتصاد جهانی امپریالیسم (بوخارین)، بین‌المللی شدن سرمایه (بوخارین) انباشت سرمایه (روزالدزاسرگ)، اقتصاد سیاسی جلد ۳ (استالین)، مسائل اقتصادی امپریالیسم (استالین)، مکتب غربی (جلد دوم).

⑪ مطالعه آثار ماکس، ماکس و انگلس، هر دو سرمایه داری، هر دو تبدیل پول به سرمایه، تولید ارزش اضافی، انباشت، برابری... آشنایی پیدا کنیم و سپس با همین تئوریهای از درک اقتصاد به اقتصاد دوران امپریالیسم در این مطالعه مسائل از قبیل مرکز سرمایه، اقتصاد سرمایه داری

حکم کرد سر تایید و لیس و رطلع بین المللی، عینی شدن سرمایه، بازار جهانی، اقتصاد و البته در
 ... برای ما روشن می شود و پایه تئوریک محلی جهت تحلیل اقتصادی فراهم می آید. علاوه
 بر این مطالعه تئوریک میباید با تئوریهای اقتصادی معاصر نیز آشنا گشت
 از آنجا که هدف مشخص مطالعه اقتصاد سیاسی پرداختن به مسائل سخت جامعه ایران در پی
 درک از سرمایه داری است میباید در آنجا که تئورهای اپرودکتیستی رایج، در سطح جنبی از
 آنکه همین سرمایه گرفته است، بنا بر این برای نقد تئورهای رایج در مورد سرمایه داری وابسته داشته
 میباید به آگاهی از اقتصاددانان روز پدیدت و نمود و زیر بنیست نیز آشنائی پیدا
 نمود. این آشنائی ما را در مبارزه علیه تئورهای ضد مارکسیستی استیگما جیتری می کند و با
 درک روشنی مبتدیانیم به پیش تئورهای مربوط به صنعت جبهه پردازیم. بنا بر این آشنائی
 با نظرات سیراسین، سوئیتری، باران، یافه، مکدانف، فرانک ... و دیگر
 تئوریسین های اقتصاددان روسی امری لازم است.

۱۱) یکی از مسائل مربوط به تئورهای انقلاب و برنامه، روشن کردن جایگاه مسئله ارضی
 در ایران می باشد. در این رابطه آکیت تئوری که میان بر وجه نمود، اسناد زیر پیشا
 جنگهای دهقانی در آلمان (انگلس)، مبارزه سیاسی طبقه کارگر، ملی
 کردن زمین (مارکس و انگلس) قطعه نامه های ارضی در سنجب، پاریس، برنامه ارضی
 سوسیال دیموکراسی در نخستین انقلاب روسیه (لنین)، هفت مقاله درباره مسائل
 ارضی و جنبش دهقانی (لنین)

برنامه برای آموزش سوسیالیسم علی

۱) مارکس چه در مورد پراکندگی و چه در مورد تئوریک، همان میزانی که به مسائل زمین طرد دست می یابد
 نسبت پرولتاریا و طبقه ای انقلابی که باید تئوریک انقلابی در دربارت می یافت و نظم زمین را بر
 کند، گزارش پیدا کرد. روشی را در حال و سیاسی مارکس و فعالیت مستمر انقلابی این، او را به مرتبه ای
 با دیدگاه های ارماتینی کللی های جهان در کتبش فخر باخ بکند که او را به پیش آنگه اقتصادان
 صرفاً حوزه آگاهی او در برگیرفت و صرفاً به طبقه سپرداخته و کاری به مبارزه طبقاتی نداشتند و در
 انتقاد و عین قرار می دهد. مبارزات کارگری در فرانسه، آشنائی با سوسیالیسمی تئوری، بررسی انقلاب
 پرولتاریا ۱۸۴۸، شرکت فعال مارکس در جنبه سیاست و ارتباط با سازمان های کارگری، فرصت

مناسبی برای تکوین جانشینی نوین او برچشم می آید. سوسیالیسمی تخیلی از بعضی جاسوس سرافرازی یافتن می آید. اما هرگز هر قطعه تولیدی موعوم و نقش کلیه ای که با آن از سر شروع کند را درک نمی کند. فداین تفرات نقش همی در تگونی جانشینی ماکسی برهم در آورد. در مبارزه علیه سوسیالیسم تخیلی، سوسیالیسم علمی مطرح می گردد. آنکه نمی فهمد با ثغرات سوسیالیسم تخیلی لازم است.

"رهبران سوسیالیسم"، "و مقاله درباره سوسیالیسم تخیلی" (پاننافت)، "سوسیالیسم خنده پورژواکی" (لینن) "نارودنیم در چین" (لینن)

② در جریان مبارزه طبقاتی در نهایت سوسیالیسم ماکسی و انگلس در ۱۸۴۷، انجمن نقش "اتحادیه کمونیست" را پایه گذاری نمود. این سازمان نخستین سازمان سیاسی - انقلابی مبارزه کارگری بود. این سازمان آنتون ماکسیم و ویلیام کارگری است. ماکسی و انگلس برای آنکه دورهای مبارزه علیه کارگری را با سوسیالیسم برسانند و به مرکزیت داشتند و در فوریه ۱۸۴۸، "مانیفست حزب کمونیست" را تدوین نمودند. مانیفست اولی بر نامه کمونیستی و اولی سند سوسیالیسم علمی است که به طبع کارگر خاگورا راه رهنمایی از اساسیت سوسیالیسم و راتن سیدد. در این سند بر جنبه ماکسی و انگلس نشان می دهند. مبارزه طبقاتی نیروی محرکه تاریخ بوده و سپس با مریزندی علیه وجود است سوسیالیسم ضد کمونیستی، تعدوی مبارزه طبقاتی پرودقاری را مشخص می سازد.

③ در پیوند مبارزه طبقاتی در اروپا، ماکسی و انگلس تئوری مبارزه طبقاتی را دقیق می دهد و تعدوی روشی از نقش طبقات یعنی پرودقاری، خواه بر پرودقاری و پرودقاری ارائه می کند. او در "پورژواکی و ضد انقلاب" (۱۸۴۸) نشان می دهد که انقلاب ۱۷۸۹ نیز مفاد و نسبت فرانس پیورده و بر ضد فرانس پرودقاری فرانس در ۱۷۸۹ در دوره انقلاب و فرانس، پرودقاری و انگلس فرانس سازش با فرودالیم و استبداد فرودالی بوده و انقلاب تحت رهبری این پرودقاری، پرودقاری کمونیست زیرا این پرودقاری، هیئتتاری است. در ۱۸۵۰ "خطابیه دفتر مرکزی به اتحادیه کمونیست" نشان می یابد و در آن سیدت و تاکتیک قاطع پرودقاری در برابر فرودقاری پرودقاری مشخص می شود.

درین "انقلاب و ضد انقلاب در آلمان" (انگلس) نیز در این خطبه با مسأله فرودقاری علیه مبارزه می شود.

④ انقلاب ۱۸۴۸-۱۸۵۱ فرانس فرامیرسد. انقلابی که در آن پرودقاری بمقیاس تاریخ با میدان کشیدار و انقلابی که فرانس پیرالا را از انقلاب و یکپارچه کردن تئوریهای اجامی یعنی پرودقاری راتن سیدد. عدلیت انقلابی ماکسی و انگلس در این انقلاب تا شرکت دیگرها به پیش

میرود و آنرا بر آن میدانم که جمیع تاریخ از رسته‌های این انقلاب پدید آید. مگر کسی بر آنکه
 اسلوب ما تاریخ‌نویسی تاریخی و رویدادها و حوادث انقلاب را با فرانس را مورد تحلیل قرار می‌دهد و
 اصول آموختن خود را بر این احکام ما تاریخ‌نویسی تاریخی، تئوری مبارزه طبقاتی، انقلاب پرولتری و
 دیکتاتور پرولتاریا را غنای نسبتی می‌کند. محصول این بررسی مبارزات طبقاتی دوازدهم
 است. این اثر نشان می‌دهد که کلیت و درستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا کابین اهل، مگر کسی
 هر دو را غنای نسبتی و تبدیل به راه‌های شورکیت و حزب انقلاب می‌گیرد.

⑤ درباره رویدادهای تاریخی بعد از انقلاب ۱۸۴۸ که دوره‌ای از انقلاب‌های اروپا است در کتاب
 ۱۸۵۱ می‌نویسد. مگر کسی در پی آن بر می‌آید تا این رویداد مهم سیاسی را تحلیل کند. او می‌خواهد نشان
 دهد که این کودتا انقلابی و نه لائیکانیت، بلکه نتیجه مبارزه طبقاتی بود. روزی که از انقلاب و در کتاب
 با «شیخ سرخ» است. کتاب از زنده «همچو هم پرومتر لوتی بنا پارت» (در سپتامبر ۱۸۵۱
 تا مارس ۱۸۵۲) بیان چنین تحلیل است. در این کتاب، مگر کسی نشان می‌دهد که مبارزه تاریخی
 در هر دو سوخت، مذهب، فلسفه و... در ماهیت خود همان مبارزه طبقاتی است. او در این
 کتاب رابطه بین زیربنا و رویداد مشخص ساخته، تفاوت انقلاب پرولتاریا و انقلاب
 پرولتری را تعیین نموده و مسئله می‌گوید که پرولتاریا دولت را در دست می‌گیرد. مگر کسی با جمیع تاریخ از
 مبارزات طبقاتی و برای نخستین بار این حکم تواریک را مطرح می‌کند. پرولتاریا نباید به تصرف
 مابقی دولت بپردازد یعنی دستگاه اداری و نظامی که در دست مبارزه‌کننده و کلمه باید آنرا درهم شکند.
 ⑥ مبارزه طبقاتی در فرانسه به کورن پاریس (۱۸۷۱) می‌نجامد، کورن پاریس یا ناکوس انقلاب
 پرولتری و با شکله‌ترین عمل انقلابی پرولتاریای فرانسه. مگر کسی در کتاب «جنگ داخلی دوازدهم»
 به چنین لزامی واقع تاریخی نرسیده و نشان می‌دهد که کورن اولین شکل دیکتاتور پرولتاریا و درستی از
 نوع جدید است. در سلا کورن شکل نهایی مبارزه دیکتاتور پرولتاریای جدید و می‌آموزد که
 دولت پرولتاریا بی‌سببیت و انقلاب قاطعانه مورد تخریب قرار می‌گیرد و دولت کجای آنرا
 می‌گیرد و دیکتاتور پرولتاریا است.

⑦ «اشقادک پرولتاریا گوتام» در سال ۱۸۷۹ توسط مگر کسی به نگارش درآید. این سند در توسعه مسائل
 اساسی تئوری علمی و کمپنی نقش مهمی بازی کرد. مگر کسی در این سند طرح برنامه حزب پرولتاریا و دولت کوران
 را مورد انتقاد قرار داد، حکایت از فراموشی مسائل را به نقد کشید و اصول سیاسی تاکتیکی و انقلابی
 حزبین علمی را شرح کرد.

⑧ در توضیح جایگاه تاریخی جامعه سوسیالیستی ، انگلس به تحلیل مبرهنه مابقی سوسیالیسم می پردازد و براساس کارهای شوپنهاین کتاب ارزشمند "منشأ خانواده ، مالکیت خصوصی و دولت" را در سال ۱۸۸۴ می نویسد . در این کتاب از زادیه مارتیالیسم تاریخی انگلس سیر میزبان مالکیت خصوصی و دولت مدون را توضیح می دهد و نشان می دهد که چرا مالکیت خصوصی و دولت مدون ادبی و ازلی نیستند .

⑨ همانطور که می دانیم لنینیم ، مارکسیسم عصر امپریالیسم و تئوری دیاکتیک انقلاب پرولتری است زیرا لنینیم ، مارکسیسم را در سه جزا آن را از جمله در رابطه با سوسیالیسم علمی توسعه می بخشد و دستاوردهای گرانبایی بوجود می آید . آثار برجسته لنین که تئوری سوسیالیسم علمی را آشکارا نموده و در رابطه با سوسیالیسم مارکسیستی ، آنرا را تحقیق می نماید عبارتند از : "دیاکتیک" (۱۹۰۵) ، این کتاب به توضیح انقلاب دگرگونی ، جمهوری کارگران و دهقانان ، ضرورت پرولتریسم لیبیرال و اتحاد کارگران و دهقانان می پردازد . "دولت و انقلاب" (۱۹۱۷) ، این کتاب تئوری مارکسیستی دولت را تشریح کرده و توضیح می دهد که چگونه کارگران پرولتر همگامی مابین دولتی از ضرورتی تاریخی - طبقاتی برخوردار است . این کتاب ، تئوری دیکتاتور پرولتر را به روشن ترین وجهی تشریح می کند و سندهایی علیه دیزپوتیسم بورژوازی ، "تجزیه های آوریل" (۱۹۱۷) در این تئوری لنین مسائل گوناگون انقلاب سوسیالیستی را توضیح داده و ضرورت پرولتری سوسیالیستی تئوری پرولتر یا تاکتیک می کند . "انقلاب پرولتری و کاتولیکسکی مرتد" (۱۹۱۸) ، این کتاب در پیوند مابین دیزپوتیسم کاتولیکسکی به تشریح دیکتاتور پرولتر یا ، دولت شورائی ، اهمیت دگرگونی شورائی و دگرگونی پرولتری و مرحله انقلاب دگرگونی سوسیالیستی می پردازد . "بیماری چپ روی در کمونیسم" (۱۹۲۰) این کتاب تاریخ لنینیسم و سه انقلاب روسیه را تحلیل کرده و سپس دیکتاتور پرولتر یا و استاتژری دیاکتیک پرولتر یا را مورد بحث قرار می دهد .

بدین ترتیب ، رابطه آثار مارکسیستی فوق ، مابعدکتاب مناسبات سوسیالیستی ، مفهوم دولت دیمائین پرولترگرایک - نظامی ، مفهوم انقلاب دگرگونی و انقلاب سوسیالیستی ، مفهوم انقلاب - تئوریک ، مفهوم دیکتاتور پرولتر یا ، مفهوم طبقات و نقش آنان ، مفهوم سیاست تاریخی پرولتر یا و سوسیالیسم ناپلئونیسم . روشن است که درک عمیق این اصول گسترده و تفهیم بر آن - پرولتری که مظهر آن بوده و در کنار مطالعه در جزئیات فلسفه دیاکتیک و مارکسیستی ،

کتاب جابین و دانش جامع اراکه خواهد نمود . بالطبع این دانش تزکیه بر پایه بررسی و تکمیل شخص از واقعیت مادی - علیاتی جامعه و در جریان مبارزه طبقاتی تعیین خواهد شد و تسلط ما به آن در رفتار خواهد گشت ولی آنچه یکبارگی قابل تأکید است اینست که آینده دوره اراکه تزویج نقش اساسی برای جنبش آگاهان خواهد داشت .

آزمای بیگانه این دانش تزویج برای آموزش کارگران کمونیست آینده و انقلاب پرملتری آینده نقش قاطع این خواهد نمود .

پرسش های بخش فلسفه

- ۱- زمینه تعیین تکامل ماتریالیسم مکانیکی ماقبل مارکس چه بود؟ ۲- تأثیر تکامل مادی سرمایه داری و پراکندگی در ماتریالیسم مکانیکی . ۳- ماتریالیسم مکانیکی در خطه طاسی آن .
- ۴- در ماتریالیسم مکانیکی رابطه ماده و روح چگونه تبیین میشود و مسئله شناخت چگونه بود؟
- ۵- محدودیت ماتریالیسم مکانیکی در مسئله روانه آن . ۶- از نظر فلسفه گانت - هیوم نشا اساسی جهان چیست؟ ۷- مسئله شناخت در فلسفه گانت - هیوم و برکلی . ۸- نظر برکلی در مورد ماده .
- ۹- ده جنبه فلسفه عقل مارتیج دهید . ۱۰- ایده آلیسم عقل نشا جهان را چه میدانند؟
- ۱۱- دیالکتیک عقل مارتیج دهید . ۱۲- تفکر عقل در مورد تفسیر آنگامی و تکامل تاریخ چیست؟ ۱۳- از فلسفه عقل مارتیج دولت چیست؟ ۱۴- دستور در فلسفه عقل چه بود؟ ۱۵- فزیر باخ در مورد آسپا ماری، ذهن و شناخت چیست؟ ۱۶- وحدت بین ذهن و فلسفه فزیر باخ چه بود؟ ۱۷- از فلسفه ادوین هابز ماری چگونه ارزیابی میشود؟ ۱۸- چرا فلسفه فزیر باخ ماتریالیسم شده است؟ ۱۹- فزیر باخ در ترفیح چه چیز را می دانست؟ ۲۰- محدودیتها و دستاوردهای فلسفه فزیر باخ چه بود؟
- ۱- مارکس در فلسفه حقوق عقل چه موضوعاتی را در فلسفه عقل مورد بررسی قرار داد و چه تظلماتی داد؟ ۲- مارکس در این زمان تحت تأثیر کدام جنبش فزیر باخ و از چه موضوعی به نقد فلسفه عقل پرداخت؟ ۳- در خانه متدیس جابین مارکس به چه درجه کفونی یافت و اولین مرجع مارکس سوفی به چه جنبه ای از فلسفه عقل و نقد کدام است؟ آن شد . جنبه ای انتقادی مارکس از فلسفه های جهان چه بود؟ ۴- تأثیرات فزیر باخ در این متعلق بر مارکس چه بود و چه انتقادات ادب فزیر باخ داشت و دستاوردهای جنبش مارکس در این متعلق چه بود؟ ۵- در تزیحانی درباره فزیر باخ جابین مارکس چه کفونی یافت و او به چه نقض عمده ماتریالیسم فزیر باخ پی برد؟

- ۶- در این مقطع از نظر مارکس رابطه پراگم و ذهن چه بود؟ مارکس در مورد اینکه معیار عینیت حقیقت چیست، چه امری رسیده بود. ۸- مفهوم آئینه فویرباخ چیست را مقوله فعالیت انسان - عین پراگم و نظر می شود (تر ۵) چیست؟ ۹- انتقاد مارکس به فویرباخ در رابطه با رابطه ادراک فویرباخ - خود انسان - چه بود؟ ۱۰- انسان مشترک مارکس درباره آن چه فویرباخ انتقاد می کند در پیش فویرباخ چه منوی داشت، انتقاد مارکس چه بود و حاصل چه بینشی بود؟
- ۱۱- انتقاد مارکس از عین و ذهن و تاثیر ذهن بر عین چیست؟ ۱۲- در چه پیشی مارکس مفهوم آئینه ماتریالیسم فویرباخ برشته ای دست و مفهوم آئینه سینه فلسفه گذشته تعبیر جدول بود، حاصل فلسفه بر سر تغییر است چه عین دارد؟ ۱۳- از نظر مارکس ایده آلیسم فویرباخ در چه تجویزی یافت و مارکس با آئینه فویرباخ چه نمود؟ ۱۴- در ایده فلسفی آلهی، انتقاد مارکس به نقد فلسفی آلهی که حکیم ی جهان انجام داده، چه بود و نقطه اشتراک هگل و کنی و جهان را مارکس چگونه تبیین کرد در این نقطه بود فلسفه کلاسیک نتوانسته خود را از محدودی که نه روحانی غلبه.
- ۱۵- مارکس با انگلس در جنب چه پیشی در بین باقی برای بررسی پدیده های منوی توغ انسان مایه فلسفه ای در پیش گرفته چه بود و از کدام پایه و متحد شد و چرا نه. ۱۶- در چه پیشی فویرباخ مارکس خود را با فویرباخ بررسی و آنچه که انسان را از سایر موجودات جدا می کند چه بود؟ آنان چه رابطه ای بین تولید و کلامی یافته و چرا برای تبیین ایده فلسفی ضرورت تبیین چگونه تولید را مقدم کردند. ۱۷- با پیشی رابطه فویرباخ و در دنیا چه تمهیدی در رابطه با رابطه فلسفی پیشین (و قدرت تاثیر فویرباخ بود) در مارکس و انگلس روح دارد و مارکس و انگلس به چه دست و در پیشی رسیده؟ ۱۸- گزینش ماتریالیسم تاریخی در ایده فلسفی آلهی چیست و چه تفاوتی با این مقطع مارکس و انگلس کشف نمود. تبیین آن از تاریخ چه بود و چه تمهیدی گینش پیشی هگل و فویرباخ و هگل و ادیکال داشت. چه تفاوت ماتریالیسم تاریخی مارکس و انگلس چه بود؟ نتایج این تبیین چه بود و سنده انقلاب کورنیستی چگونه تبیین می شد؟ ۱۹- انتقادات مارکس و انگلس بر ماتریالیسم مشاهداتی فویرباخ و ناموندی آن چه بود؟ ۲۰- رابطه تولید و زیر بنا و جامعه انسانی آن در چه پیشی مارکس و انگلس چگونه قابل برداشت است؟ ۲۱- در دنیا مارکسیت و دولت، در این چه پیشی چه تمهیدی دارد می شود و چه تفاوتی با گزینش پیشین مارکس داشت؟ ۲۲- در توضیح تکامل نیروهای تولیدی و مارکس، تاثیر چه جنبه های رابطه هگل و فلسفه فویرباخ در برداشت این تاثیر فویرباخ کی بود و کیفیت جدیدی بنا به چه پیشی فویرباخ است؟ ۲۳- انتقاد مارکس و انگلس به برداشت ایده آلیستی از تاریخ و برداشت فویرباخ از تاریخ چه بود؟ ۲۴- در چه پیشی فویرباخ طبقات و ایده فلسفی چه تمهیدی دارد، سنده چگونه با انگلس هگل از

- ۹- تبیین جریان شوهت بنابه یک اصل طبیعی با کدام مابین بود و برای تکلیف بود ؟ ۱۰- نظر فیزیکرانان در مورد تفاوت و منبع بدل سرمایه دینی چه بود ؟ و چه انتقاداتی بر کاراییها داشته ؟ ۱۱- اثر توزیع افکار فیزیکی بر اقتصاد چه بود ، و مورد بازنگاری ، منبع بحث وک و رابطه آن با شرایط بود و در هر صورت ۱۲- مکتب کلاسیک اقتصاددانانی و شرایط رشد و توسعه سرمایه داری چه بود ؟ ۱۳- تاثیر مابین است بر فعالیتهای مابین بر افکار کدام است چه بود ؟ ۱۴- از نظر آدلر است هدف فعالیت اقتصادی چیست ؟
- ۱۵- تقلید کار چه جایگاه در نظرات اقتصادی آدلر است داشت و در چه مابین آن انان انان بود ؟
- ۱۶- نظر آدلر است در مورد تقسیم کار ، قیمت و ارزش چه بود ؟ ۱۷- از نظر آدلر توزیع و درآمد از نظر قیمت مابین مابین داشت ؟ ۱۸- ماهیت بود و درانی نظرات آدلر است چه بود ؟ ۱۹- نظرات آدلر در مورد صنعت بازاری بازاری ، بازنگاری و ... چه بود ؟ ۲۰- نظر آدلر در مورد ارزش چه بود ؟ ۲۱- از نظر آدلر هر چه ممکن ، توزیع درآمد ، پول بازرگانی چه بود ؟ ۲۲- تفاوت ریکاردو است و چه بود ؟
- ۲۳- نظرات سمیرنک ، مزین و سنی سیرنک در مابین در مورد اقتصاد سرمایه داری ، ادکل آکل در رابطه ، جمله گار چه بود ؟

- ۱- اقتصاد سیاسی در کس ؟ ۱- کلاسیک چیست ؟ ۲- مفهوم ارزش چیست ؟ ۳- پیام چه معنی است ؟ ۴- تقلید کلاسیک چیست ؟ ۵- تقلید سرمایه کلاسیک چه معنی است ؟ ۶- تقلید کلاسیک در ادب ؟ ۷- تقلید سرمایه داری و ویژگیهای آن ؟ ۸- پیش شرط تقلید سرمایه داری چیست ؟ ۹- انباشت بودی یعنی چه ؟ ۱۰- قطع مالکیت از تقلید کلاسیک و ویژگیهای کار آزاد یعنی چه ؟ ۱۱- طریقه رابطه ای بین انباشت بودی و نیروی کار آزاد ، تولید سرمایه داری معنی می آید ؟
- ۱۲- قانون اقتصاد در تولید سرمایه داری چیست ؟ ۱۳- معنا ارزش کدام است ؟ ۱۴- مفهوم تقسیم کار و کارگاه (مانوفاکتور) مابین و منبع جدید ، نقش مابین در تولید استوار نیروی کار با کلاسیک
- ۱۵- ارزش افزایی ، ارزش افزایی مطلق و نسبی و معنا اضافه ارزش چیست ؟ ۱۶- اجزای سرمایه چیست ؟
- ۱۷- اشکال سرمایه کدام است ؟ ۱۸- سرمایه قبل از تولید سرمایه داری در چه اشکال عام ظاهر شد ؟
- ۱۹- مفهوم مطلق استوار چیست ؟ نرخ اضافه ارزش ، نرخ استهلاک و تعریف کنید . ۲۰- از نظر قیمت ؟
- ۲۱- ارزش نیروی کار چگونه تعیین می شود ؟ ۲۲- تفاوت قیمت و ارزش چیست ؟ ۲۳- ترکیب کلاسیک سرمایه چیست ؟ ۲۴- تفاوت انباشت بودی ؟ انباشت سرمایه داری چیست ؟ ۲۵- نقش انباشت سرمایه داری در تکامل تاریخی آن چیست ؟ ۲۶- تفاوت اساسی شیوه تولید سرمایه داری چیست ؟
- ۲۷- سود چیست ؟ ۲۸- تفاوت نرخ سود با نرخ ارزش افزایی چیست ؟ ۲۹- می باشد سود متوسط

- فوق سود خیز است؟ ۴۰- رانت چیست؟ ۴۱- رانت مطلق و رانت تفاضلی چیست؟
- ۴۲- قانون گرانس نزولی نرخ سود چیست؟ نقش آن در سرمایه داری چیست؟
- ۴۳- رابطه قانون منق و بران چیست؟ ۴۴- باز تولید ساده و باز تولید گسترده سرمایه داری چیست؟
- ۴۵- در باز تولید سرمایه داری چه تضادهایی نهفته است؟ ۴۶- بران سرمایه داری چیست؟
- ۴۷- گرانس تاریخی سرمایه داری چیست و مرکز تولید چیست؟ ۴۸- تولید وسایل تولید و تولید کاپی مصرف چیست؟ در هر یک از تولید ساده و باز تولید گسترده چه فرقی ایجاد می شود؟
- امپریالیسم : ۱- چه فایده های با حد سرمایه داری، عصر رقابت آزاد را با عصر امپریالیسم تبدیل کرد؟ مرکز سرمایه و جبرانه ی سرمایه داری را تعریف کنید . ۲- امپریالیسم را تعریف کنید و تفاوت آنرا با سرمایه داری رقابت آزاد تشریح کنید . اختلاف مهمی چیست؟
- ۳- با انتقاد از امپریالیسم چیست؟ ۴- سرمایه های را تعریف کنید . ۵- بران من چه تفاوتی با اجتناب ناپذیر سرمایه داری از امپریالیسم دارد؟ ۶- نرخ متوسط سود در عصر امپریالیسم چه تغییری می کند؟ ۷- رابطه امپریالیسم با گرانس نزولی نرخ سود چیست؟ ۸- قانون منق در پرتوهای گسترده امپریالیسم چیست؟ ۹- در دوران امپریالیسم، لینن می گوید اختلاف جبران رقابت آزاد می شود یعنی چه؟ ۱۰- در دوران امپریالیسم، نقد رهای سرمایه داری به چه صورت در می آید؟ ۱۱- عصر صیبت امپریالیسم با تشریح کنید . ۱۲- مفهوم آنگه امپریالیسم عصر کنونی و اقتصاد سرمایه داری است چیست؟ ۱۳- رابطه امپریالیسم و نیروهای تولید چیست؟ ۱۴- علت پیدایش سرمایه داری امپریالیستی و شرایط پیدایش آنرا تشریح دهید . ۱۵- تصور سرمایه از چه هنردستی ناشی می شود و چه نتایجی می آورد؟ ۱۶- مفهوم اقتصاد امپریالیسم و چراغ تحت سلطه چیست؟ ۱۷- رابطه اقتصاد سیاسی و اجتماعی امپریالیسم چیست؟ ۱۸- کشورهای مستقر و نیم مستقر چه نوع کشوری هستند و چرا؟ ۱۹- آید سلطه اقتصاد امپریالیسم همراه با مستقر بودن کشورهای مستقر است؟ ۲۰- رابطه امپریالیسم و کشورهای سرمایه داری وابسته چگونه قابل تشریح است؟ ۲۱- تقسیم کار بین المللی یعنی چه؟
- ۲۲- در عصر امپریالیسم چه قانونی بر سرمایه داری حاکم است؟ ۲۳- رول کانتونگلی امپریالیسم چه بود؟ ۲۴- رول کانتونگلی از امپریالیسم چه بود؟ ۲۵- رول کانتونگلی از امپریالیسم چه بود؟
- ۲۶- انتقاد از وضع لینن به رول کانتونگلی، لوکزامبورگ و کمینترن (۱۹۲۸) چیست؟

پرستشهای بخش سوسیالیسم علمی

- ۱- سوسیالیسم تمثیلی فرانسه، سوسیالیسم حقیقی، سوسیالیسم پرودون، سوسیالیسم وایتلیک، سوسیالیسم بلانی و غیره در مورد مبانی و مباحثی، چه سرسرایه درسی و پرطاریه، استعمار، راه برون راندن، فداکات، چه سرسرایه درسی چه نظراتی داشته؟ ۲- چه مبنی مارکس و انگلس با مبانی و مباحثی بر سبزه چه سرسرایه مبنی و در برهه در چه جریانات سیاسی و نظرات شکل گرفت؟
- ۳- مارکس و چه سیدی از سوسیالیسم تمثیلی جدا شد و اولین شخص این عده ای درسی بران بخش چه نیردنی بود؟ ۴- در سوسیالیسم علمی، نیروی محرکه تاریخ چیست و تضاد اساسی در چه استوار است؟
- ۵- چرا سوسیالیسم مارکس همیشه علمی دارد و اتوئیک نیست؟ ۶- رابطه سوسیالیسم علمی و ماتریالیسم تاریخی و تضاد سیاسی چیست؟ ۷- اولین برنامه مارکستی که بر سوسیالیسم علمی گنیه دارد چه بود؟ و اساس تئوریک آن کدام بود؟ ۸- در سال ۱۸۴۸ چه بود و در چه آگاهی تئوریک شده است؟ ۹- در اساس کونکورس در رابطه با کفایت در چه بود، پرسشهای ارتش، سگن دولت پادشاهی، ۱۸۴۸، مکتبسی، دولت و خودگردان مائین دولتی چه بود؟
- ۱۰- استبداد است کون کدامند؟ ۱۱- نظر سوسیالیسم علمی در باره مبانی طبقاتی و مفهوم انقلاب نقش دارد؟ نقش طبقاتی، مکتبست سیاسی، اندام مائین دولتی، نیرو چه بود؟
- ۱۲- انقلاب در چه داد مکتب در دوران انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب ۱۸۴۸، انقلاب ۱۸۷۱ و انقلاب فرانس و در عصر امپریالیسم چه تغییراتی کرد؟ ۱۳- برنامه سوسیالیست مکتبسی در مکتب، مکتب، ارغورت، سه برنامه فرانسوی چه تئوریک پذیرفت، علت مبنی تغییرات چه بود؟
- نسبت طبقات در هر دو مکتب و وظایف پرودون، رادرفیچر، هیبر، ۱۴- اتیوگایران و اکتان همبندی کدام انقلاب است و در رنده ارتش ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۷ و عصر امپریالیسم چه تغییراتی پذیرفته است؟ ۱۵- انقلاب، اهمیت و نقش آن در تحول اجتماعی چیست؟
- ۱۶- هر دو مکتب در چه انقلاب در دره ای تفاوت و در کدراکی تلف چیست؟ ۱۷- سبزه مبنی رنده انقلاب و سرسرایه سیاسی برای پرودون انقلاب کدامند؟ ۱۸- نقش خوب و در هر مکتب انقلاب مکتب در دوران ۱۸۴۸، ۱۸۷۱، ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ چیست؟ ۱۹- نقش رهبری پرودون در مکتب و نیروی محرکه انقلاب کدامند؟ ۲۰- اهمیت و وظایف انقلاب سوسیالیستی چیست؟ ۲۱- نیروی محرکه انقلاب در سوسیالیسم علمی چیست؟ ۲۲- وظایف مکتب در انقلاب سوسیالیستی یعنی چه؟ ۲۳- عصر امپریالیسم چه دوران انقلاب پرودون است؟ ۲۴- تفاوت اساسی انقلاب سوسیالیستی و انقلاب پرودون و اد مکتب چیست؟

برنامه عملی جهت تکمیل ازساخت و مرحله انقلاب ایران

با توجه که قبلاً مطرح کردیم کار تزویرت بنا بر دو جنبه اصلی صورت می‌گیرد. طایف در مرحله می‌باشند. مرحله اول اینست که
دو آتری در کسب و تسلط بر جهان بینی کوزینی است و در این منظور مطالعه تئوری عام مارکسیستی در سه جزوه است در سه
ترتیب اول است. فضا نیست تزویرت در مرحله اول، بنابراین جهت شروع از مرحله دوم (تکمیل لغزش و ادامه برنامه کوزینی)
ما بر روی یک عدد، زیرا هرگز تکمیل ندارد ضلع انتقاری حاکم بر جامعه و ادامه خط مشی انقلابی مستقیم تسلط بر جهان بینی
مارکسیست است. ضلع دهم در یک گاه ایران، ماضیات انتقاری، لطیفاتی بر عهد نزدیک نهان آن در گامی می‌گذارد
واقعیت‌های انتقاری لطیفاتی ماضیات تکمیل کند که دارای ماهیت انقلابی و عملی باشد و این در یک گاه تنها تئوری
مارکسیست است. بنا بر این تسلط بر جهان بینی مارکسیستی پیش شرط شروع گام دوم یعنی آغاز تکمیل جامعه و ادامه
خط مشی انقلابی و برنامه می‌باشد. علاوه بر این پیش شرط تزویرت، با آتری در سه جزوه کوزینی در تکمیل ازساخت
یعنی در ماضیات بسیار می‌رود. تا به حال مدتی تکمیل نیز در این ماضیات می‌باشد که پیش شرط مدتی نیز در این ماضیات است. پیش
"کوزینی" با اعتبار در تئوری حاکم بر عهد و با اعتبار مستند نیز در تئوری خود هرگز تا آنجا که به ادامه تکمیل عملی پرداخته
و برنامه‌های ارائه نماید که بسیار ناخف تا در این بردنایاست. پروتئوریسم حاکم بر این جریان است بر سر تا به حال
آن تزویرت که ماضیات انتقاری، لطیفاتی آنقدر که ماضیات وجود دارند بر تکمیل قرار گیرند. حرکت از این جا
و گواهی و تکمیل در عهد را شکی بر آن نگذارند، جوهر پروتئوریستی این جریانات را تشکیل می‌دهد است. در وضع
ساخت انتقاری، مرحله انقلاب، دشمنان در دست‌های پر دقتاریا و غیره آنچنانکه زار در تئوری این جریانات
را تشکیل می‌دهد. حاکم تئوری ذهنی و نیز مارکسیستی بوده است. این جریانات بی‌ای آنکه از واقعیات حرکت گرفته
اند ذهن و قدرت خود حرکت کرده در میان آنکه جوهر اساسی سانسبت دارد حاکم بر جامعه را پایه تکمیل خود قرار دهند
منه ما در ظاهر را پایه لایحه‌های فزونی ساخته‌اند و بر این خاطر نامی خط مشی‌ها در برنامه‌های این جریانات
نگردد مادم در جریان به اندازه لطیفاتی و واقعیت‌های ایران در دنیا جامعه، پشتگت کشیده شده‌اند.
با تکمیل هر دو ماضی تکمیل شده تئوری مارکسیستی مقیده صورت می‌گیرد؟ از این کسب و اولی که تکمیل عملی را در مقابل آثار

میدهد. احواف ما شناخت می از جاست، زیرا به دل این شناخت قادر نخواهیم بود تا در جهت تغییر
 و تبدیلی جاسم کلام برداریم. پس بر آنکه بر روی کوسه میسیم بیدیم. بر آن ایگه از طریق انقضای جاسم را
 مقرر سازیم. بعباریت نسبت به ماهیت جاسم شناخت حاصل نایم. ماهیت نازنده های حکم بر این جاسم را
 تشخیص داد در آن ان فقط شئی انقضای را استوار نمود. از این گاه از این مییم انقضای جاسم
 به تمایل در شیوه تولید و شروع می شود. شیوه تولید چیست؟ شیوه تولید از این جهت که نشان می شود،
 ① نیروی ولده ② نسبت تولیدی.

در هر کس تولید. ان نشانها را با معنی با ایزاد تولید برقر می کنند بجهت بعد از با یکدیگر نیز دارای رابطه
 معنی می باشند. در این مناسبات تولیدی است که شخص می شود از جمله تولید در جهت کمیت و شکل مالکوت
 کمپوز است. از مزایع چگونه صورت می گیرد. در واقع تضاد نیروی ولده با مناسبات تولیدی، در این میسیم
 جاسم را ششوی صادر و بیان اجتهای این تضاد، بارز و طبیعتی است. بنابراین، بر آن ایگه از
 جاسم و طبقات، به شیوه تولیدی حکم بر آن انقضای داد. باید با تمایل صحیح از این در جهت معنی
 شخص ساخت که کرم طبقات منافع انقضای و کرم طبقات دشمن انقضای باشند. کرم
 طبقات بر آن حفظ مناسبات تولیدی حکم و کرم طبقات بر آن سرنگونی این مناسبات جاسم می کنند.
 بدون تمایل می از انقضای تضاد جاسم. تشخیص منافع طبقات در وضع آنها نسبت به تضاد،
 غیر ممکن است. مقرر نشین: معیار اصلی بر این تمیز طبقات، مهارت از مکانی است که این طبقات
 در تولید افیائی از فعالیت می کنند. در شیوه تولید، این است که با در این تولید برقر می کنند. و با تمایل
 طبقات در حال حاضر جاسم، حفظ حاصل شیوه جان تولید و جاسم می کنند. در بیان این تمایل
 شایان انقضای زمان خود می باشند. اینک ساخت انقضای جاسم، در آن حقیقتی است که
 در آن شروع کنیم مترواح تر مییم نهائی هم. در سازش نهادها و سبک و حقوقی در در سازش نهاد مییم.
 نند. و آیر طبقات کثیر در این راه است. (فصل انقضای و انقضای ۲۲۷) پس بر آن
 ایگه تمایل معنی نسبت به دولت در جنبای مساک و نسبت به طبقات و منافع حرکت از آن اول مییم.

۶- تمام مسافت تا قبل سرآمدن در مسافت انقضاء ایران .

۷- آیا سرآمدن ایران با سرآمدن اهل بیت ، با نظیف است و آیا دارای خود و پسرانی می باشد ؟

۸- نقد و بیگانه های انورانی در مورد تعیین مسافت جامع ایران . حدین زبید و بیگانه نظام و بیگانه و بیگانه و بیگانه

بیگانه سهند ، بیگانه یکبار در تخریب ، بیگانه کامل و بیگانه محفل کربستان رزندگان و غیره غیره

قانون انبیا است |

حضرت برکت و نقد محفل های مختلف و مسافت . ما سه و شالی حاصل انانان ، انانان است که بدون نقد

و نقل اکرستی و بیگانه های انورانی در این زمینه و بیگانه و بیگانه و بیگانه و بیگانه و بیگانه و بیگانه

تعمیر حاشی و عهد و عهد ، اولاً اقبال و عقیدت مجدد بین انورانی است . - صوب و بیگانه و بیگانه - انورانی و بیگانه

و ثانیاً فقط نظر انبیا را انورانی در تمام ابعاد آن است و بیگانه و بیگانه و بیگانه . با این منکر و بیگانه

و اسناد زیر درج نمود

۱- مسان نقد و بیگانه بیگانه شماره ۲ (نقد و بیگانه بیگانه بیگانه) ، بیگانه بیگانه بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه) ، بیگانه بیگانه (بیگانه)

فایز بیان آنوقت برود در حال حاضر بنای یک توری سنگم و مسوق نموده است. برای در ترسی به این توری های
 به آن توری طرح است همین برین نسبت به سافت جاسم و شیوه نزدیک با کم تفاوت عمیق با کسب است. بر این
 این تفاوت می باشد. مناسبات لطیفی را در این آورده. تمام نقش و سافح هر یک از لطافت و سافت
 اینها را در این (مستند) با شش کره، توری های سبکی مدافع این لطافت را تمیز نموده. در زبان سبکی وجود
 با اینها و روشن کرده. نشان داد که واقعا قدرت سبکی در دست نماندگان کدام لطیفه ایایی قرار دارد و
 دارای تمام اهمیت می باشد. به نبال این تمیز های در این سبکی بر این سبکی سافت در این سبکی سافت
 هر چه است. در نظریه استرالیایی و تالیف آنرا تمیز دارد. در این رابطه ضروری است به آنرا در این
 دو کتابت و سبکی در این سبکی. در این کتابت ص ۲۸۱-۲۷۱. "توب" و در این کتابت سبکی
 در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.

۱. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۲. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۳. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۴. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۵. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۶. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۷. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۸. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.
۹. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.

در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی. در این سبکی در این سبکی.

- ۱- کلام شرایی یعنی طبقاتی، انعقاد سیاست در آن است ؟
- ۲- چرا در کنگره سرمایه داری و البته، انعقاد سیاست مطرح است ؟
- ۳- چرا نفوذ وسیله ابراهیم در کنگره سرمایه داری، منجر به تغییر مرحله انعقاد سیاست گردید و با وظایف طبقاتی سیاست را تعیین می سازد ؟
- ۴- مفروضه‌های سطح آگاهی و شکل پرولتاریا چه نقشی در تعیین مرحله انعقاد دارد ؟
- ۵- مکتب‌های مائستارویا که پرولتاریا فاقد هرگونه آگاهی و شکل طبقاتی است، آیا انعقاد سیاست میسر است ؟
- ۶- در کنگره سرمایه داری و البته که بر پروولتاریا در آن حاکمیت دارد، معتقدان به مفروضه‌های مائستارویا نافی از انعقاد سیاست هستند ؟
- ۷- در کنگره سرمایه داری و البته که در آن طبقاتی مائستارویا حاکمیت دارند، معتقدان به مفروضه‌های مائستارویا نافی از انعقاد سیاست هستند ؟
- ۸- در کنگره سرمایه داری و البته که در آن طبقاتی مائستارویا حاکمیت دارند، معتقدان به مفروضه‌های مائستارویا نافی از انعقاد سیاست هستند ؟
- ۹- در کنگره سرمایه داری و البته که در آن طبقاتی مائستارویا حاکمیت دارند، معتقدان به مفروضه‌های مائستارویا نافی از انعقاد سیاست هستند ؟
- ۱۰- اندیهای از ماهیت طبقاتی دهقانان توسط چیست ؟ در روش کوشش نسبت به آن چه باید باشد ؟
- ۱۱- اندیهای از ماهیت طبقاتی دهقانان توسط چیست ؟ در روش کوشش نسبت به آن چه باید باشد ؟
- ۱۲- اندیهای از ماهیت طبقاتی دهقانان توسط چیست ؟ در روش کوشش نسبت به آن چه باید باشد ؟
- ۱۳- اندیهای از ماهیت طبقاتی دهقانان توسط چیست ؟ در روش کوشش نسبت به آن چه باید باشد ؟
- ۱۴- اندیهای از ماهیت طبقاتی دهقانان توسط چیست ؟ در روش کوشش نسبت به آن چه باید باشد ؟

پس در پاسخ به این سؤالات تردید و نزاع است در رابطه با انعقاد ایران، چنین می باشد :

- ۱- کلام اول انعقاد ایران سیاستی است ؟
- ۲- این انعقاد از کدام مقطع تاریخی در دست گرفته شد و تا کجا قرار دارد ؟
- ۳- چرا نفوذ ابراهیم تعیین کننده مرحله انعقاد ایران نیست ؟
- ۴- مفروضه‌های مائستارویا چه نقشی در تعیین آگاهی پرولتاریا و شکل طبقاتی آن دارد ؟
- ۵- اندیهای از ماهیت دهقانان و فرود برداری مائستارویا چیست ؟
- ۶- اندیهای از ماهیت پرولتاریا در ایران و توضیح کنگره و کیفیت [پرولتاریا] ایران چیست ؟
- ۷- اندیهای از ماهیت دهقانان و فرود برداری مائستارویا چیست ؟ در میان ارتباط مائستارویا و فرود برداری مائستارویا چه نقشی دارد ؟

تعمیر است

۸- در ترمیم آئینه و طلاهای مستقیم بر اساس اصول و در طلاهای دیگر نیز در این

تعمیر است

۹- در ترمیم آئینه کدام طبقه باید مسرنگتر شود و کدام طبقه باید بر مدت زمان بیشتری در دست

پودنه یا مشخص شود

۱۰- شماره فروری آئینه پریت ؟

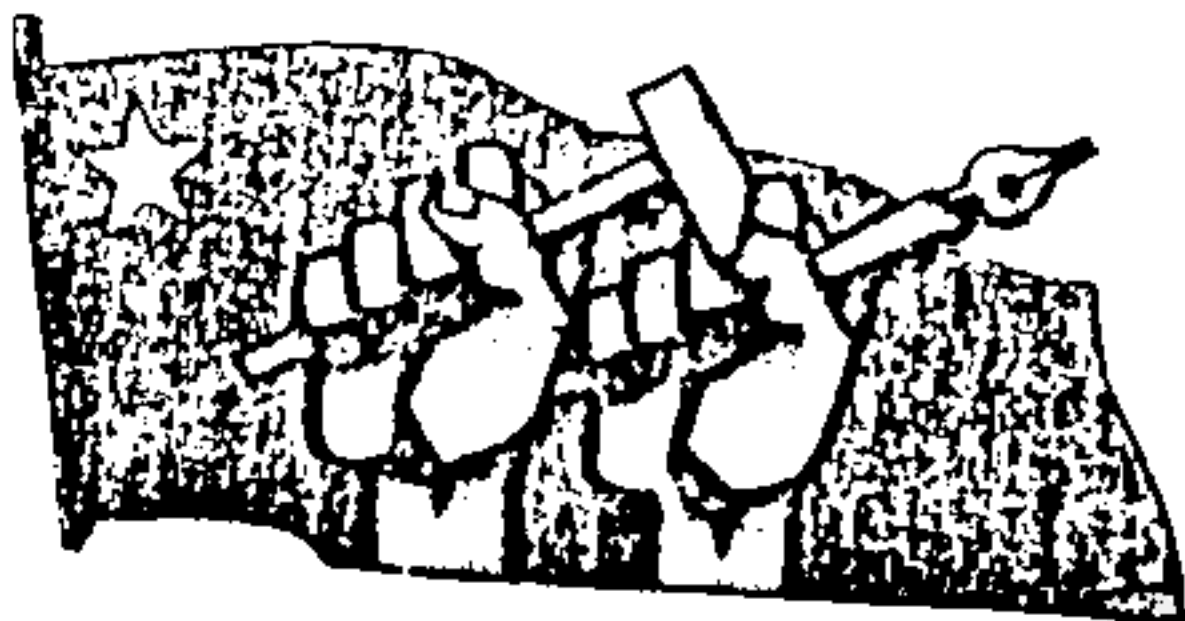
در تمام این پرند، داران جنبه پاد و ناریست و انحراف و نادرستی با شش که در این است با تعداد شش

در طریقه پاشیک، این پرند، آبیچ و کاس شود

تا مهر ۱۳۶۱

کرمال

I. S. A.
Denton



www.KetabFarsi.com